

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

ریشه‌های عقب‌ماندگی مسلمانان

در اندیشه امام خمینی (ره)

هدایت یاسمی



بسم الله الرحمن الرحیم

ریشه های انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان در اندیشه امام خمینی رحمه الله

نویسنده:

هدایت یوسفی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ریشه های انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان در اندیشه امام خمینی رحمه الله

مشخصات کتاب

یوسفی، هدایت، ۱۳۴۴

ریشه هـای انحطاط و عقب مانـدگی مسـلمانان در انـدیشه امام خمینی رحمه الله / هـدایت یوسـفی؛ [برای] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما. - قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۵.

۸۲ ص. (مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۰۰۸)

۶۰۰۰ ریال: ۱-۰۵۰-۵۱۴-۹۶۴ ISBN

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۷۹ - ۸۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. خمینی، روح الله، رهـبر انقلاب و بنیـان گـذار جمهـوری اسـلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ - نظریـه دربـاره عقب مانـدگی مسلمانان. ۲. تمدن اسـلامی. ۳. فرهنگ اسـلامی. ۴. عقب مانـدگی اجتماعی - ایران.الف.صـدا و سـیمای جمهوری اسـلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.ب.عنوان.

۹ ی ۷ ع /۵/۱۵۷۴ ۹۵۵ / DSR۰۸۴۲

ص :۱

اشاره

دیباچه

دیباچه

دیـدگاه هـای گونـاگونی دربـاره ریشه هـای انحطـاط و عقب مانـدگی مسـلمانان وجود دارد. برخی از منظر غیردینی و درون تمـدنی، عوامل تکوین و فراز و فرود تمـدن اسـلامی را بررسـی می کنند. گروهی دیگر، از منظر غیردینی، با ملاک قرار دادن عوامل پیشـرفت و توسـعه جوامع غربی، به بررسـی ریشه های عقب ماندگی جوامع شـرقی می پردازند. دسته ای دیگر، از منظر دینی بر مبنای اعتقاد راسخ خود به اسـلام، به عنوان دینی کامل و جامع که تأمین کننده سعادت دنیوی و اخروی انسان هاست، به پدیده انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان نگریسته اند. امام خمینی رحمه الله در این دسته جای می گیرد.

پژوهش حاضـر درصدد پاسخ گویی به این پرسـش اساسـی است که از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، علت اساسـی انحطاط و عقب ماندگی مسـلمانان چیست؟ ایشان عامل انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان را در درجه اول، انحراف آنان از اسلام اصیل از صدر اسلام تا کنون می داند و معتقد است به هر میزان، مسلمانان به قوانین اسلام عمل کرده اند، به همان میزان، به پیشرفت های مادی و معنوی رسیده اند.

از نظر امام خمینی رحمه الله، مهم ترین تحریفی که در اسلام به ویژه در

سده های اخیر به دست استعمارگران رخ داد و به انحراف مسلمانان انجامید، القای نظریه «جدایی دین از سیاست» یا نبود نهاد حکومت در اسلام است. در متن اسلام اصیل، تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای قوانین اسلام، ضروری است. بنابراین، برپایی حکومت اسلامی و پس از آن، اجرای احکام اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله، شرط اساسی و لازم خروج از انحطاط به شمار می رود.

اکنون پژوهش ریشه های انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان در اندیشه امام خمینی رحمه الله که حاصل همکاری اداره کل پژوهش مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما با مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام است، پیش روی اصحاب رسانه قرار دارد. با سپاس از پژوهشگر محترم، آقای هدایت یوسفی و کارشناسان مرکز، به ویژه آقای نعمت اللّه علیجانی که در به بار نشاندن این اثر، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما را یاری داده اند، امیدواریم این اثر، نمای جامعی از دیدگاه های حضرت امام خمینی رحمه الله را در زمینه عوامل عقب ماندگی مسلمانان، در اختیار برنامه ریزان و برنامه سازان قرار دهد.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص : ۱۰

پیش گفتار

پیش گفتار

مسلمانان در برهه ای از تاریخ، در اوج عزت و عظمت به سر می بردند و با پشتکار و نوآوری خود، تمدن باشکوهی را به جهان معرفی کرده بودند. تمدن اسلامی، اندیشمندان، عالمان، ادیبان و صنعتگران فراوانی را در دامان خود پرورانده و از این رهگذر، تأثیر شگرفی بر نوزایی تمدن غرب و سرنوشت جهانیان بر جای گذاشته است. اکنون، ورق برگشته است و از اوج عزت و عظمت گذشته آن تمدن، خبری نیست.

پژوهش درباره عوامل عزت و عظمت مسلمانان در برهه ای از زمان و عقب ماندگی آنها در برهه ای دیگر، برای همه افراد و گروه هایی که درصدد احیای عظمت تمدن اسلامی هستند، اهمیت دارد، به ویژه مسئولان و حامیان جمهوری اسلامی ایران که معتقدند در جهان کنونی نیز می توان با اجرای قوانین اسلام به پیشرفت های مادی و معنوی دست یافت. بررسی اسباب تکوین و شکوفایی تمدن اسلامی و همچنین زمینه های زوال و افول آن، گره گشای دست کم برخی مشکلات فکری و فرهنگی جامعه کنونی خواهد بود.

امام خمینی رحمه الله، مرجع و عالم دینی است که در رشته های مختلف علوم اسلامی، صاحب نظر به شمار می رود. همچنین وی مصلح اجتماعی و سیاست مداری آگاه به شرایط و مقتضیات زمان است که با رهبری او،

انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت و به پیروزی رسید. ازاین رو، دست یابی به دیدگاه ایشان در این زمینه، اهمیتی دوچندان دارد؛ زیرا یکی از اهداف اصلی انقلاب، زمینه چینی برای رهایی مسلمانان از گرداب رکود و احیای تمدن اسلامی است.

در فرضیه اصلی، از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، عوامل اصلی انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان، انحراف آنان از اسلام اصیل بر اثر توطئه استبداد و استعمار است.

در فرضیه جانشین، از دیدگاه امام خمینی رحمه الله عوامل اصلی عقب ماندگی مسلمانان، انحراف آنان از اسلام اصیل بر اثر توطئه استبداد و استعمار نیست.

مفهوم «انحطاط»(۱) در اصطلاح، یک مفهوم نسبی و مقایسه ای است و هنگامی قابل تصور است که یک فرد یا گروه را در دو حالت یا زمان متفاوت با خود مقایسه کنیم. یکی در حالت یا زمان اوج و ایستادگی و دیگری در حالت یا زمان فرو افتادگی و پستی. لفظ انحطاط در مورد فرد یا گروهی به کار می رود که از نقطه اوج یا ایستادگی سقوط کرده و به حالت فروافتادگی و پستی رسیده و به عبارت دیگر، داشته های خود را از دست داده باشد.

مفهوم «عقب ماندگی» نیز مفهوم نسبی و مقایسه ای است و هنگامی قابل تصور است که یک فرد یا گروه را با فرد یا گروه دیگری که جلو افتاده و پیش رفته است، مقایسه کنیم. عقب ماندگی در مورد فرد یا گروهی به کار

۱- لغت نامه دهخدا با استفاده از فرهنگ های مختلف، معانی زیر را برای این واژه ارائه داده است: انحطاط؛ یعنی به «دو نشیب رفتن شتر به کشیدن مهار، فرود آمدن در منزل، فرود آمدن، بیفتادن، فرو افتادن، پست شدن، به پستی گراییدن، به زیر آمدن، نزول و انهباط».

می رود که نسبت به فرد یا گروه دیگر براساس معیارها و ملاک های خاصی عقب افتاده باشد. به عبارت دیگر، از چیزهایی که فرد یا گروه دیگر برخوردار است، بی بهره باشد.

این اثر در سه بخش سامان یافته است. در بخش اول، دیدگاه های مختلف در مورد عوامل انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان بررسی می شود. بخش دوم، بررسی عوامل انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان را در دیدگاه امام خمینی رحمه الله به خود اختصاص می دهد. جایگاه و نقش رسانه ملی در تبیین دیدگاه های حضرت امام خمینی رحمه الله و چگونگی بهره مندی از آنها نیز در بخش همراه با برنامه سازان آمده است.

ص :۱۳

بخش اول: دیدگاه های گوناگون درباره ریشه های انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان

اشاره

بخش اول: دیدگاه های گوناگون درباره ریشه های انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان

زیر فصل ها

۱. نگرش غیردینی - درون تمدنی

۲. نگرش غیر دینی - مقایسه ای

۳. نگرش دینی - درون تمدنی و مقایسه ای

۱. نگرش غیردینی – درون تمدنی

اشاره

۱. نگرش غیردینی - درون تمدنی

در این دیدگاه، از نگاه شخصی که اسلام را کامل ترین دین آسمانی می داند که باور و عمل بدان، رفاه و سعادت دنیا و آخرت انسان ها را تأمین می کند، به پدیده عقب ماندگی مسلمانان نگریسته نمی شود، بلکه عوامل انحطاط جوامع مسلمان - از آن جهت که مسلمان هستند - بحث و بررسی می شود. بنابراین، انحطاط، مفهوم درون تمدنی است و از مقایسه یک جامعه با جوامع دیگر به دست نمی آید.

از پیروان این دیدگاه، می توان به ابن خلدون در میان گذشتگان و جرجی زیدان، گوستاو لوبون و ویل دورانت در میان متأخرین اشاره کرد. در ادامه، دیدگاه هر یک از این افراد درباره عوامل انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان بررسی می شود.

الف) دیدگاه ابن خلدون

الف) دیدگاه ابن خلدون

ابن خلدون بر این باور است که دولت ها نیز مانند مردم عادی، با مسئله

ص :۱۴

عمر طبیعی و نابودی اجتناب ناپذیر روبه رو هستند. بنابراین، پس از پیمودن مراحل رشد و شکوفایی، رو به پیری و نابودی می روند.(۱) وی بـا الگوبرداری از دولت های امویان و عباسـیان، علل انحطاط دولت ها و تمـدن ها را مطرح می سازد.(۲) به نظر ابن خلدون، بنیان هر کشوری بر دو پایه اسـتوار است: نخست، شوکت و عصبیت که از آنها به عنوان «سپاه» نام می برد و دوم، ثروت و پول که پادشـاه، نیازمنـدی هـا و وسایـل کشور را با آن تأمین می کنـد. وی بر آن است که هر گاه خللی به دولت راه یابد، ناشی از این دو اصل است. (۳)

ابن خلـدون در توضـیح خللی که از راه عصبیت بر دولت وارد می شود و به فروپاشـی آن می انجامـد، می گویـد: بنیان نهادن دولت، تنها از راه عصبیت روی می دهد و ناچار باید عصبیت بزرگی وجود داشته باشد که دیگر جمعیت ها وعصبیت ها را در اطراف خود گرد آورد.

وی معتقـد است وقتی دولت به مرحله عظمت و توانگری می رسـد، ناخودآگاه، خداوندان دولت این عصبیت را به نابودی می کشانند و خویشاوندان و تبار خود را تار و مار می کنند. در این میان، دو دشـمن به نام «تجمل» و «تسـلط» سبب بروز حالتی در صاحبان دولت می شوند که غیرت و رشک آنها نسبت به خویشاوندان، به بیم و هراس تبدیل می شود؛ زیرا

۱- عبـدالرحمن بن خلـدون، مقـدمه ابن خلـدون، ترجمه: محمـد پروین گنابـادی، تهران، شـرکت انتشـارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، چ ۸، ج ۱، ص ۳۲۴.

۲- عبدالکریم سروش، کیان، ش ۱۹، خرداد ۱۳۷۳، ص ۷.

۳- مقدمه ابن خلدون، ص ۵۲۸.

می اندیشند مبادا به پادشاهی آنها گزند برسانند. ازاین رو، به نابودی شان همت می گمارند. در نتیجه، عصبیت آنان به تباهی کشیده می شود.

آنچه جای گزین این عصبیت قوی می شود، اتکا به خواص و برگزیدگان نمک پرورده است که عصبیت جدید را تشکیل می دهد. البته این عصبیت به اندازه عصبیت نخستین، نیرومند نیست؛ چون پیوندهای خویشی و هم بستگی خانوادگی در میان نیست. ازاین رو، صاحبان قدرت از دودمان و یارانی که دارای حس غرور قومی هستند، محروم می شوند. خداوندان عصبیت های دیگر که این وضعیت را مشاهده می کنند، با آنها و خواص درگاهشان به ستیز برمی خیزند. ازاین رو، به علت تجمل و کشتار، دودمان آنها نابود می شود و صاحبان عصبیت های دیگر نیز به صورت مزدور درمی آیند و بدین سبب شمارشان کاهش می یابد.

در نتیجه، افراد در گوشه و کنار مرزها از فرمان سرپیچی می کنند. شاهزادگان و دیگر عناصر ناراضی نیز بدان نواحی رهسپار می شوند تا با سرکشان همراهی کنند؛ زیرا یقین دارند به علت کاستی نیروی نگهبانی، از تجاوز لشکریان در امان خواهند بود. این امر رفته رفته دامنه دارتر می شود و دایره مرزهای دولت تنگ تر می شود تا آنکه قیام کنندگان به نزدیک ترین نقاط پایتخت می رسند.

ابن خلدون بر این باور است که در این اوضاع و احوال، معمولاً دولت به دو یا سه دولت دیگر تجزیه می شود و به تدریج رو به نابودی می رود. وی زوال دولت بنی امیه و بنی عباس را نمونه هایی از این حقیقت ذکر می کند.

از نظر ابن خلدون، آنچه موجب فروپاشی دولت های اسلامی اموی و عباسی شد، از یک سو، خلل در عصبیت و شوکت این دولت ها و از سوی

دیگر، گزند در ثروت و مال آنان بود. این دو عامل نیز پس از آن رخ می دهد که دولت ها به مرحله رفاه می رسند.

ب) دیدگاه جرجی زیدان

ب) دیدگاه جرجی زیدان

بنا به نظر جرجی زیدان، دوره تنزل عباسیان، از دوران معتصم (۴۱۸ ه- . ق) آغاز می شود و به سقوط بغداد به دست مغول می انجامد.(۱) همچنین آغاز انحطاط علمی مسلمانان را هم زمان با به قدرت رسیدن متوکل (۲۳۳ ه- . ق) می داند.(۲) جرجی زیدان با قبول نظریه ابن خلدون مبنی بر اینکه دولت ها مانند هر موجود زنده ای، دوران کودکی تا پیری و در نهایت نابودی را می گذرانند، به بررسی انحطاط دولت عباسی می پردازد.

علل انحطاط تمدن اسلامی از نظر جرجی زیدان به شرح زیر است:

۱. بی کفایتی خلفا و غرق شدن آنها در خوش گذرانی ها و دور ماندن از اداره امور؛

۲. به قدرت رسیدن ترکان طمع کار و بی کفایت و بی اعتنایی آنان به آبادانی و مصالح عمومی کشور؛

۳. کاهش ثروت دولت؛

۴. فساد مالی دولت؛

۵. تباهی اوضاع اجتماعی؛

۶. از میان رفتن امنیت و عدالت؛

۷. تجزیه ولایت های اسلامی و مستقل شدن آنها؛

۱- جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه: علی جواهر کلام، تهران، امیر کبیر، چ ۸، ۱۳۷۹، ص ۵۸۲.

۲- همان، صص ۵۸۷ و ۵۸۸.

۸. جلوگیری از آزادی فکر، مبارزه با علوم بیگانه، آزار و کشتار دانشمندان و اهل ذمه.(۱)

وی عامل تباهی ثروت عباسیان را کاهش درآمد و افزایش هزینه می داند و عوامل زیر را موجب کاهش درآمد آنان بیان می کند:

۱. کوچک شدن قلمرو فرمانروایی عباسیان؛

۲. پایین آمدن میزان مالیات؛

۳. نادرست عمل کردن مأموران در گرفتن و رساندن مالیات؛

۴. امنیت نداشتن مردم در کسب و کار به دلیل آشوب های داخلی؛

۵. تبدیل شدن بیشتر دِه ها و املاک به ضیاع (مزرعه های متعلق به خلفا، وزیران، امیران و افراد بانفوذ).

وی همچنین عامل افزایش هزینه را موارد زیر می داند:

۱. ول خرجی خلفا و زنان آنها؛

۲. تنوع و فزونی هزینه های دولتی؛

۳. فزونی حقوق کارمندان؛

۴. مخارج بیعت گرفتن؛

۵. سوء استفاده دولتمردان از اموال عمومی.(۲)

ج) دیدگاه گوستاو لوبون

ج) دیدگاه گوستاو لوبون

به باور گوستاو لوبون، بسیاری از عواملی که سبب عظمت و بزرگی اعراب شد، عوامل انحطاط آنان نیز به شمار می رود؛ زیرا از نظر او، بهترین و سودمندترین صفات افراد و ملت ها در یک زمان، بدترین نتایج را در زمان

۱- همان، صص ۳۱۵، ۳۷۳ - ۳۷۶، ۵۸۷ و ۵۸۸ و ۸۱۹ .

۲- همان، ص ۳۷۶.

دیگر به بـار می آورد. همان اسـتعداد اخلاقی یا ذهنی که در یک دوره عامل پیشـرفت و کام یابی است، در دوره دیگر، عامل سقوط به شـمار می آید. ازاین رو، اولین عامل انحطاط اعراب را غریزه جنگ جویی آنها می داند که پس از پایان پیروزی ها، این غریزه متوجه خود آنان شد و به تجزیه دولت و در نهایت، سقوط آنها انجامید.

دومین عامل انحطاط، ساختار سیاسی و اجتماعی اعراب بود. گوستاو لوبون در توضیح این عامل که عامل عظمت مسلمانان نیز به شـمار می رود، می گوید اعراب در سایه شـریعت اسـلام با یکدیگر متحد شدند و توانسـتند دنیا را فتح کنند. این شریعت تا زمانی به حال آنان مفید بود که با نیازمندی های امت اسـلام سازگار بود، ولی بر اثر پیشـرفت و توسعه تمدن عرب، قوانین آن باید اصـلاح می شد که این کار صورت نگرفت. در پاسخ به نظر گوسـتاو لوبون باید گفت در اسـلام، باب اجتهاد همواره باز است. همچنین عملکرد منفی یک فرد یا جمع در جامعه اسلامی را نمی توان به نام اسلام نوشت.

سومین عامل از دیـد گوسـتاو لوبون، اختلاط نژادهای مختلفی بود که مغلوب اعراب شـده بودنـد. وی، تأثیر منفی این عامل را ناشی از دو علت می داند:

۱. اجتماع اقوام مختلف در یک جا سبب رقابت آنها با یکدیگر شد.

۲. آمیختگی اعراب با آنها موجب شد خون اعراب به سرعت فاسد شود.

برای بقای حکومتی که بر نژادهای مختلف غلبه دارد، دو شـرط لازم است: یکی اینکه دولت فاتح چنان قدرتی داشته باشد که هر یک از نژادها

بدانند مقاومت در برابر آن سودی ندارد. دیگر آنکه این گروه با ملت مغلوب آمیزش نداشته باشد تا قوم غالب در ملت مغلوب به کلی منحل نگردد.

گوستاو لوبون درباره شرط اول می گوید: از آنجا که برنامه قرآن بر برابری است و فاتحان نیز به آن عمل می کردند، اعراب نمی توانستند در مقابل نژادهای مختلف زیر سلطه خود زورگویی کنند. وانگهی آنها به آسانی، مذهب و نظام اعراب را پذیرفته و در سود و زیان همدیگر شریک بودند. تنها زمانی که اختلاف در میان اعراب آغاز شد، رقابت های این ملت و نژادهای مختلف نیز آشکار گشت. در نتیجه، کشورهای اسلامی به میدان جنگ گروه های مختلف تبدیل شد. برای مثال، روزی که نصارا، آخرین شهر اسلامی اندلس را محاصره کرده بودند، مسلمانان با یکدیگر زد و خورد داشتند.(۱) گفتنی است اعراب شرط دوم را هرگز رعایت نکردند.(۲)

د) دیدگاه ویل دورانت

د) دیدگاه ویل دورانت

از نوشته های ویل دروانت برمی آید که وی آغاز انحطاط دولت عباسی را پس از مأمون می داند.(۳) او معتقد است پیش از آنکه خلافت به وسیله نیروهای خارجی سرنگون شود، عوامل داخلی آن را به تباهی کشاندند که عبارت بودند از:

ص: ۲۰

۱- گوستاو لوبون، تمدن اسلام و غرب، مترجم: سیدهاشم حسینی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۵۸، چ ۳، صص ۷۶۴ و ۷۶۵.

۲- همان.

۳- ویل دورانت، تاریخ تمدن، عصر ایمان؛ ترجمه: ابوطالب صارمی و دیگران، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸، چ ۸ ، صص ۲۵۸ و ۲۵۹.

۱. تضعیف نیروی خلفا بر اثر زیاده روی در شراب خواری، شهوت رانی و بی کاری.

۲. از میان رفتن حس جنگ جویی مردم بر اثر فزونی ثروت و رفاه و رواج کنیزبازی و لواط در طبقه حاکم و نفوذ و گسترش این فرهنگ به مردم.

۳. نبود قدرتی نیرومند جهت متحد کردن ولایت ها و قبایل پراکنده.

۴. پدید آمدن شورش ها بر اثر اختلاف نژادی و اقلیمی.

۵. پدیدار شدن تفرقه در دین اسلام به گونه ای که فرقه هایی زاده شد و اختلاف های سیاسی و جغرافیایی را پیچیده تر کرد.

۶ . غفلت دولت در کار آبیاری زمین های کشاورزی که به نابودی کشتزارها و گسترش بیماری های عمومی و در نهایت، فقر مردم انجامید.

۷. از بین رفتن علاقه به کار و کوشش و ابتکار در میان کشاورزان و صنعتگران و بازرگانان؛ زیرا می دیدند حاصل کارشان خرج تجمل گرایی صاحبان حکومت می شود.

۸. کاهش درآمد دولت و نپرداختن منظم مقرری لشکریان، سبب نافرمانی آنان شد.

۹. تسلط ترکان بر لشکریان دولت به گونه ای بود که از زمان منتصر تا پایان دولت عباسیان، گماشتن و برکناری خلفا و هرگونه تغییر در دولت و کشتن خلیفه به دست ترکان انجام می شد.

۱۰. گسستگی ولایت ها بر اثر ضعف پایتخت از نظر اقتدار سیاسی و نیروی جنگی.(۱)

۱- همان، صص ۲۵۹ و ۲۶۰.

ویـل دورانت در جـای دیگری از کتـاب خـود که در مـورد حمله مغول بحث می کنـد، عوامـل زیر را موجب فروپاشـی دولت اسلامی پیش از حمله مغول می داند:

۱. لذت طلبی اپیکوری؛

۲. خستگی جسمی و روحی؛

۳. بزدلی و بی لیاقتی جنگی؛

۴. فرقه گرایی و جهل مذهبی؛

۵. فساد و هرج و مرج سیاسی.(۱)

ویـل دورانت دربـاره برخی اقـدام ها علیه فیلسوفان و تضـعیف نیروهای سیاسـی در جهان اسـلام و سـرانجام حمله صـلیبی ها و مغولان به جهان اسلام می نویسد:

به سال ۵۴۵ ه- . ق (۱۱۵۰ م.) مسـتنجد، خلیفه عباسـی فرمان داد همه کتاب های ابن سـینا و رسائل اخوان الصـفا را در بغداد بسوزانند. به سال ۶۹۱ ه- . ق (۱۱۹۴ م.) ابویوسف یعقوب منصور که آن موقع در اشبیلیه بود، فرمـان داد که همه تألیفات ابن رشـد را جز تعـداد کمی که در علـوم طـبیعی بود، بسوزاننـد و تعلیم فلسـفه را به مردم خود حرام و تشویق شـان کرد که هر جا کتاب فلسـفه یافتنـد، در آتش بیفکننـد. مردم، فرمان خلیفه اشبیلیه را مشـتاقانه اجرا کردنـد؛ چرا که از تعرض فلسـفه به حـدود ایمان که برای اکثر آنان عزیزترین مایه تسلی رنج و ملال زندگی بود، سخت آزرده بودند. در همین اوقات، ابن حبیب به جرم مطالعه فسلفه، به مرگ محکوم شد.

اسلام پس از سال ۵۹۷ ه- . ق. (۱۲۰۰م.) از تفکر نظری چشم پوشید. وقتی نیروهای سیاسی در جهان اسلام سستی می گرفت، رفته رفته از رجال دین و

۱- همان، ص ۴۳۲.

فقهای سنی پشتیبانی می جست. آنان نیز در مقابل جلوگیری از تفکر مستقل و آزاد، به یاری خلافت برمی خاستند. [البته]این یاوری ها برای نجات دولت رو به اضمحلال کافی نبود. در اسپانیا، مسیحیان، شهر به شهر پیش آمدند تا برای مسلمانان به جز غرناطه نماند، در شرق، صلیبیان، بیت المقدس را گرفتند و به سال ۶۵۶ ه- . ق (۱۲۵۸م.) مغولان، بغداد را تصرف و ویران کردند.(۱)

۲. نگرش غیر دینی – مقایسه ای

اشاره

۲. نگرش غیر دینی – مقایسه ای

در این دیدگاه، از منظر شخص معتقد به اسلام با ویژگی هایی که پیش تر بیان شد، به پدیده عقب ماندگی مسلمانان و نیز جوامع مسلمان – از آن جهت که مسلمان هستند – نگریسته نمی شود. در این دیدگاه، جوامع به دو گروه توسعه یافته و توسعه نایافته یا پیشرفته و عقب مانده تقسیم می شوند. پرسش اساسی در این دیدگاه آن است که چرا برخی جوامع به توسعه رسیده و برخی دیگر عقب مانده اند؛ یعنی عوامل عینی یا ذهنی عقب ماندگی کشورهای توسعه نایافته چه بوده است؟ سپس به صورت موردی، عوامل عقب ماندگی در یک کشور خاص بررسی می شود.

نظریه های بیان شده در مورد ریشه های انحطاط و عقب ماندگی ایران

اشاره

نظریه های بیان شده در مورد ریشه های انحطاط و عقب ماندگی ایران

در ادامه، پس از تعریف اصطلاح عقب ماندگی، به اختصار به برخی از نگرش ها در زمینه ریشه های عقب ماندگی ایران اشاره می کنیم. اصطلاح عقب ماندگی یک مفهوم درون تمدنی نیست، بلکه مفهومی است که از مقایسه دو گروه جوامع به دست می آید و بیانگر وضعیت زیستی یک جامعه نسبت به رشد و پیشرفت جوامع دیگر است.

۱- همان، صص ۴۲۸ و ۴۲۹.

نظریه های عقب ماندگی ایران را می توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱. گروه اول، عوامل خارجی را مسئول عقب ماندگی می داند.

۲. گروه دوم، ریشه های عقب ماندگی را عوامل فکری و فرهنگی و ارزش های انسانی می داند.

۳. گروه سوم، بر عوامل اقتصادی و مناسبات تولیدی تأکید می ورزد. این شکل های تولیدی عبارتند از:

الف) فئودالیسم؛

ب) سیستم قبیله ای؛

ج) شیوه تولیدی آسیایی.

هر یک از این گروه ها شامل نظریه های مختلفی است که در ادامه، به اختصار بیان می شود.

دسته اول – عوامل خارجی ریشه انحطاط و عقب ماندگی ایران

دسته اول – عوامل خارجی ریشه انحطاط و عقب ماندگی ایران

نظریه اول

این نظریه، عوامل دینی به ویژه پیدایش اسلام را تعیین کننده می داند و معتقد است که پیدایش اسلام و هجوم اعراب به ایران با پایان حکومت ساسانیان که اوج تمدن باستانی ایران به شمار می رفت، همراه بود. پس از شکست خوردن ایرانیان از اعراب، وقفه ای طولانی (بیش از یک قرن) در توسعه فکری – علمی در ایران رخ داد و از آن پس به انحراف کشیده شد. این نظریه، پیدایش اسلام را به عنوان یک دستگاه دینی – ایدئولوژیک، عامل دگرگونی نهادهای جامعه می داند و معتقد است همین غلبه، رشد جامعه ایران را منحرف و سپس متوقف کرد. کسانی چون: احمد کسروی، صادق هدایت، میرزا

آقاخان کرمانی و فتح علی آخوندزاده از پیروان این نظریه اند.(۱) این نظریه، عامل ذهنی را مهم تر از عامل عینی و ساختاری می شمارد. درباره این نظریه باید گفت صاحبان این تفکر از قبیل کسروی، میانه خوبی با اسلام نداشته و با دیدگاه مغرضانه، موضوع را بررسی کرده اند. همچنین نظریه های آنها بیشتر در جهت اسلام ستیزی بوده است تا بررسی یک واقعیت.

نظریه دوم

این نظریه، حمله مغول (قرن هفتم هجری) را عامل ویرانگری تمدن ایران می داند. این قبایل چادرنشین، گذشته از ویرانی هایی که در ایران به جای گذاشتند، سیستم عقب مانده فئودالی را نیز بر این جامعه حاکم ساختند. برای نمونه، می توان به نظریه محمدرضا فشاهی در کتاب تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فئودالی ایران اشاره کرد. وی می نویسد:

تفکرات فلسفی متکی به علوم طبیعی در ایران، در قوت گرفتن شهر و شهرنشینی تأثیر بسیار داشت. شهرنشینی در مقیاس بزرگ، نطفه «بورژوازی» را پرورش می داد و بدین سبب است که می گوییم این تفکرات علمی می توانست تا چند سده بعد به نتیجه برسد و ایران را به سوی «رنسانس» و «رفورماسیون» و سرانجام به انقلاب بورژوازی رهنمون شود.

درست در اوج اعتلای تفکرات فلسفی متکی به علوم طبیعی و اوج اعتلای شهرنشینی در ایران، حمله مغول و پس از آن، حمله تیمور، همه چیز را درهم ریخت و شهرنشینی نابود شد و تمام شهرهای ایران (جز یکی دو استثنا) با خاک یکسان شدند... . به دنبال این مسئله، فلسفه رو به انحطاط و نابودی رفت و عرفان جای آن را گرفت؛ زیرا عرفان برعکس فلسفه که متکی به دانش های طبیعی است، تمایلی به ریاضیات و فلسفه طبیعی نداشت.

۱- کاظم علمداری، چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت، تهران، گام نو، ۱۳۷۹، ص ۳۲.

بورژوازی شهری که متکی به دانش های طبیعی (علوم) بود، نابود شد و مغولان، متکامل ترین شکل های فئودالیسم... را با خود به ایران آوردند.(۱)

نظریه سوم

این نظریه، عوامل عقب ماندگی ایران را به پیدایش پدیده استعمار و سپس غلبه سلطه امپریالیستی مربوط می داند. صاحبان این نظریه معتقدند پیدایش سیستم سرمایه داری غرب و گسترش صنعت نظامی جدید و سیاست و اقتصاد جهانی، مانع بزرگی در راه رشد جوامع عقب مانده است.

دسته دوم – عوامل فکری، فرهنگی و ارزشی، ریشه انحطاط و عقب ماندگی ایران

دسته دوم – عوامل فکری، فرهنگی و ارزشی، ریشه انحطاط و عقب ماندگی ایران

در این زمینه سه نظریه وجود دارد:

نظریه اول

این نظریه با تأکید بر اهمیت عامل فرهنگی، معتقد است در جامعه ایران، مناسبات فرهنگی و اجتماعی ویژه ای حاکم است که مانع از پیدایش اندیشه های نوین، عقلی و خلاقیت های انسانی می شود. در نتیجه، این فرهنگ یا نازاست یا ویرانگر.(۲)

نظریه آرامش دوستدار در کتاب درخشش های تیره بیانگر نازایی فرهنگ ایرانی است؛ فرهنگی که با دین و فلسفه اسلامی آمیخته شده است و مانع می شود که انسان به گونه ای عقلی و علمی بیندیشد. بنابراین، عامل بازدارنده رشد در ایران، ذهنی بوده است. برخی دیگر معتقدند که فکر خلاق و سازنده در فرهنگ فرسوده و ناتوان و غیرمولد ایرانی کمیاب و نادر شده است. از آنجا

۱- محمدرضا فشاهی، گزارش کوتاه از تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فئودالی ایران، تهران، انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۵۴، ص ۲۳۸.

۲- همان، برگرفته از: آرامش دوستدار، درخشش های تیره، تهران، انتشارات خاوران، ۱۳۷۷، چ ۲.

که فرهنگ ویرانگر چیرگی دارد، هر زمان که عناصری آگاه و صاحب اندیشه نو و خواهان سازندگی پا به میدان عمل گذاشته اند، این فرهنگ غالب، هرگونه فرصتی را از آنها گرفته است.

جامعه شناسی نخبه کشی اثر علی رضا قلی از نمونه های این نظریه است.(۱) وی مناسبات فرهنگی و روابط متقابل با بافت اجتماعی را عامل عقب ماندگی ایران و همچنین فرهنگ و روحیه سرمایه داری را بنیان پیشرفت صنعتی اروپا معرفی می کند و می کوشد عقب ماندگی ایران را هم از همین دریچه توضیح دهد. خوش بختانه پیروزی انقلاب اسلامی ایران و دست یابی ملت مسلمان ایران به فن آوری جدید و بومی کردن آنها بر این فرضیه مهر باطل زده است.

استعمار و عوامل وابسته داخلی آن برای بهره کشی از ملت مسلمان ایران در زمان طاغوت خواستند با طرح فرضیه های گمراه کننده و القای آن در ذهن مردم به ویژه جوانان، سد راه تحقق اراده آنها در شکوفایی سرزمین خود باشند. رواج صنعت مونتاژ در ایران در زمان طاغوت و جلوگیری از خلاقیت نسل ایرانی و همچنین مخالفت امریکا و اروپا با ایران اسلامی در سال های اخیر در زمینه دست یابی ایران به فن آوری هسته ای را می توان تأییدی بر این مدعا دانست.

نظریه دوم

این نظریه، توسعه جامعه را وابسته به رشد علم می داند. کتاب ما چگونه ما شدیم(۲) نوشته صادق زیبا کلام، علت اصلی عقب ماندگی ایران را در افول علم

۱- علی رضا قلی، جامعه شناسی نخبه کشی، قائم مقام، امیرکبیر، مصدق، تهران، نشرنی، ۱۳۷۷، چ ۸.
۲- صادق زیبا کلام، ما چگونه ما شدیم، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷، چ ۵.

می داند. وی رشد تمدن غرب و برتری آنها نسبت به تمدن های شرقی را ناشی از پیدایش و رشد علم در این جوامع می داند و چنین نتیجه می گیرد:

خاموشی چراغ علم از جمله مسائلی است که ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با پدیده عقب ماندگی پیدا می کند. نیاز به توضیح چندانی نیست که اگر رشد علمی و فعالیت های فکری در جامعه ای متوقف یا حتی کند شود، آن جامعه دچار رکود اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می شود و به ورطه عقب ماندگی می افتد. در ایران نیز چنین شد و با خاموشی چراغ علم، عقب ماندگی از راه رسید. حتی اگر تردید نموده و نخواسته باشیم چنین حکم قطعی صادر کنیم، حداقلش این است که پشت نمودن به علوم، یکی از عوامل بنیادی عقب ماندگی در ایران شد.(۱)

در نقد این نظریه باید گفت، هر چند خاموشی چراغ علم، یکی از عوامل عقب ماندگی بوده است، ولی این دیدگاه به نوعی، دیگر عوامل مؤثر را نادیده گرفته است. برای مثال، هیچ گاه به تلاش استعمار و عوامل وابسته به آن در جلوگیری از بومی شدن علوم در ایران اشاره نشده است.

نظریه سوم

این نظریه، بر ارزش های انسانی، نقش شخصیت و روان شناسی اجتماعی تکیه دارد. بر اساس این نظریه، شرط توسعه جامعه، وجود ارزش های نوین و خلاق انسانی و نوآوری های فردی و اجتماعی است.(۲) در جوامع پیشرفته، انسان ها به ارزش هایی باور دارند که سازنده مناسبات رشد آنهاست. این گونه انسان ها که صاحب انگیزه پیشرفت و خلاقیت هستند، در جوامع عقب مانده،

۱- همان، ص ۲۷۶.

۲- نک: جلیل دهقانی، مقاله «رفتار، عمل اصلی توسعه»، مجله علوم اجتماعی، زمستان ۱۳۷۶، ج ۲، ش ۳، صص ۴۰ - ۵۱.

کمیابند. دلایل این کمیابی را می توان اختناق سیاسی یا چیرگی ارزش های سنتی دانست که هر نوع دگرخواهی و نوگرایی را سرکوب می کند یا با هر گونه تجربه جدید مخالفت می ورزد که به عقب ماندگی جامعه می انجامد.

دسته سوم – عوامل اقتصادی و مناسبات تولیدی ریشه انحطاط و عقب ماندگی ایران

دسته سوم - عوامل اقتصادی و مناسبات تولیدی ریشه انحطاط و عقب ماندگی ایران

در این مورد نیز سه نظریه وجود دارد:

نظریه اول

این نظریه مبتنی بر نظریه تداوم شیوه تولید فئودالی در ایران پس از ورود اسلام و به ویژه پس از سلجوقیان است، با توجه به نقش مهمی که خواجه نظام الملک در این میانه ایفا می کند.

این نظریه، همین نفوذ و تقویت را مانع اساسی پیدایش مناسبات سرمایه داری در ایران می داند. ازاین رو، با اعتقاد به تکامل تک خطی و جهان شمول تاریخ، تلاش دارد ایران پیش از اسلام را دارای ساختار برده داری و دوره پس از اسلام را عصر فئودالی بخواند و سرمایه داری جهانی را مانع اصلی رشد سرمایه داری ملی در ایران در عصر کنونی به شمار آورد.

در این نظریه، از کار مشترك تاریخ شناسان روسی چون دیاکونوف، پیگولوسکایا، پتروشفسکی و دیگران اقتباس شده است.

نظریه دوم

این نظریه بر ساختار ایلی و کوچ نشینی در ایران تکیه می کند و معتقد است که یک جانشین نبودن قبایل و عشایر در ایران، مانع بزرگی در راه توسعه اجتماعی و سیاسی بوده است. دلیل اصلی کوچ نشینی در سرزمین های شرقی از جمله ایران، کمبود آب بود که کوچ نشینان به دنبال طبیعت

ص :۲۹

سازگارتر، از منطقه ای به منطقه دیگر کوچ می کردند. این شیوه زندگی، مناسبات سیاسی و فرهنگی ویژه خود را به دنبال داشت؛ از جمله وابستگی های عشیره ای را تقویت می کرد و مانع رشد و گسترش کشاورزی و به ویژه سکناگزینی و شهرنشینی می شد. این مانع تا زمان سلطنت رضاشاه پهلوی در ایران ادامه داشت. بنابراین، نبود سرمایه داری در ایران را می توان برخاسته از همین مناسبات عشیره ای دانست.(۱)

نظریه سوم

این نظریه، دلیل اصلی نبود مناسبات سرمایه داری و عقب ماندگی ایران را سلطه شیوه تولید در آسیا می داند. این نظریه با تکیه بر کمبود آب برای کشت، نتیجه می گیرد که کمبود آب نه تنها شکل و محتوای کشاورزی شرق را از غرب متمایز کرده، بلکه در مناسبات سیاسی و اجتماعی جامعه نیز بسیار دخیل بوده است. شیوه حکومتی استبدادی شرق نیز مانند همین مناسبات، در عرصه اقتصادی و تولیدی است.

برخی نویسندگان، نظام ارضی ایران را با درجه بندی مختلف، با شیوه تولید آسیایی یا استبداد شرقی منطبق دانسته اند. در این زمینه، نظریه های گوناگونی بیان شده است که در عین یکسانی در بعضی زمینه ها، تفاوت هایی با هم دارد، ولی اساس گفته همه آنها کمبود آب است. از میان آثاری که این نظریه را کم و بیش پذیرفته اند، می توان به آثار محمدعلی خنجی،(۲) محمدعلی

ص: ۳۰

۱- از جمله آثاری که به تشریح رابطه کوچ نشینی و عقب ماندگی در ایران می پردازد، نک: حبیب اللّه پیمان، درباره استبداد ایرانی؛ احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجاریه.
۲- کاظم علمداری، برگرفته از: محمد خنجی، رساله ای در بررسی تاریخ ماد و منشأ نظریه دیاکونوف همراه با چند مقاله و یادداشت دیگر، تهران، کتاب خانه طهوری، ۱۳۵۸.

(همایون) کاتوزیان(۱) و آن لمبتون(۲) اشاره کرد.

۳. نگرش دینی – درون تمدنی و مقایسه ای

اشاره

۳. نگرش دینی – درون تمدنی و مقایسه ای

در این نگرش، از نگاه شخصی که اسلام را کامل ترین دین آسمانی می داند که عمل به آن، رفاه و سعادت دنیا و آخرت و پیشرفت مادی و معنوی انسان ها را تأمین می کند، به پدیده عقب ماندگی مسلمانان نگریسته می شود.

صاحبان این دیدگاه از یک سو با این پرسش اساسی روبه رو هستند که اگر اسلام، آخرین و کامل ترین دین الهی است و در همه زمینه های مورد نیاز زندگی فردی و اجتماعی، کامل ترین دستورها را دارد، چرا پیروان این دین الهی به انحطاط کشیده شدند؟ چرا اینان اکنون در زمینه ساختار اجتماعی و سیاسی و برخورداری از تمدن و علم و صنعت در ردیف کشورهای عقب مانده یا در حال پیشرفت هستند و از طرف دیگر، با اتهام هایی روبه رو هستند که متوجه اسلام شده است و اسلام را عامل عقب ماندگی و توسعه نیافتن کشورهای اسلامی معرفی می کند.

در این نگرش، علت اساسی عقب ماندگی مسلمانان، انحراف و دوری از اسلام اصیل است. از پیروان این نظریه می توان به بزرگانی چون امام خمینی رحمه الله، سید جمال الدین اسدآبادی و زین العابدین قربانی اشاره کرد. ابتدا به اختصار، به

۱- محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲، چ ۲.

۲- آن لمبتون، مالك و زارع در ایران، ترجمه: منوجهر امیری، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی وزارت علوم، ۱۳۶۲، چ ۳.

دیدگاه سید جمال و زین العابدین قربانی اشاره می کنیم و در بخش بعد به شرح دیدگاه امام خمینی رحمه الله می پردازیم.

الف) دیدگاه سید جمال الدین اسدآبادی

الف) دیدگاه سید جمال الدین اسدآبادی

بررسی دیدگاه سیدجمال در مورد عوامل عقب ماندگی مسلمانان، پژوهش مستقلی می طلبد و در اینجا تنها به اصول دیدگاه وی اشاره می کنیم.

به باور سید جمال، دین، مایه نیک بختی انسان است و سبب پیشرفت صوری و معنوی پیروان خود می شود:

دین مطلقا مایه نیک بختی های انسان است. پس اگر بر اساس های محکم و پایه های متقن گذاشته شده باشد، البته آن دین به نهج اَتَم سبب سعادت تامه و رفاهیت کامله خواهد گردید و به طریق اولی موجب ترقیات صوری و معنوی شده، علم مدنیت را در میان پیروان خود خواهد برافروخت، بلکه متدینین را به تمامی کمالات عقلیه و نفسیه فایز خواهد گردانید.(۱)

سیدجمال در یکی از نوشته هایش، علت رکود مسلمانان را ترک حکمت دینی و احکام اسلامی از سوی خلفا و دولت های مسلمان می داند:

آیا بر اثر کمیت مردم مسلمان این انحطاط پیش آمد؟ نه، بلکه در دوره انحطاط، عده مسلمانان بیشتر از دوره عظمت و عزت اسلام بود. فقط باید گفت که بزرگ ترین سبب و مهم ترین عوامل انقراض و شکست نهضت اسلامی و عظمت و بزرگواری آن، غفلت و ناآگاهی شان بود که ترک حکمت دینی کردند و دستورات اسلامی را به کار نبردند... .(۲)

۱- سید احمد موثقی، علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین در اندیشه و آرای اصلاحی سیدجمال الدین اسدآبادی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، چ ۲، ص ۳۹، برگرفته از: سیدجمال الدین اسدآبادی، رساله نیچریه، ص ۷۴.

۲- مرتضی مدرسی چهاردهی، سید جمال الدین اسدآبادی و اندیشه های او، تهران، کتاب های پرستو، ۱۳۶۰، چ ۶ ، ص ۳۹۸.

از نظر سیدجمال، دسته ها و طوایف در لباس دین، بدعت ها و سنت هایی را در اسلام به وجود آوردند و این سنت ها و بدعت های غلط که «ذاتاً مانع بسیار مهم برای پیشرفت اسلام به شمار می رفت»،(۱) در جامعه اسلامی رایج شد. به ویژه آنکه:

تعلیم احکام اسلام در آن زمان ناقص بود و ارشاد مردم به سوی اصول ثابت دین که پیامبر و اصحاب او معتقد بودند، نارسا و غیرمفید بود؛ یعنی آموزش احکام متقن اسلام با روش اولیه خود اجرا نمی شد. فقط در چند مورد ویژه و میان تعداد کمی آن روش اصلی اعمال می گردید. شاید اجتماع همین عوامل مفسده انگیز سبب انحطاط و رکود مسلمانان گردید و بلکه عامل عقب رفتن آنان شد.(۲)

ازاین رو، وی تنها راه درمان دردهای مسلمانان را بازگشت به قواعد اصلی دین اسلام می داند:

تنها راه علاج ملت های اسلامی آن است که مانند گذشته، نخست به قواعد اصلی دین خویش برگردند و احکام آن را دقیقا اجرا کنند و با موعظه هایی که برای پاک ساختن دل ها و مهذّب نمودن اخلاق و روشن کردن آتش غیرت و متحدالقول ساختن و بیدار کردن ارواح آنان برای به دست آوردن شرف و افتخار گذشته خویش مؤثر است، مردم را به سوی حقایق آن دین هدایت و ارشاد نمایند.(۳)

سیدجمال در ریشه یابی عقب ماندگی مسلمانان آن هم پس از آن پیشرفت عظیم فرهنگی و تمدنی در سده های اولیه و میانه تا سده هفتم (سده سیزدهم میلادی)، پرسش های زیر را بیان می کند:

۱- علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین در اندیشه و آرای اصلاحی سید جمال الدین اسدآبادی، ص ۴۸؛ برگرفته از: سید جمال الدین اسد آبادی، عروه الوثقی، ص ۱۱۰.

۲- همان.

۳- همان، ص ۱۰۷، برگرفته از: سید جمال الدین اسدآبادی، عروه الوثقی، ص ۹۵.

فرهنگ و علوم اسلامی که جهان را با نور درخشان خود روشن نمود، چرا رو به زوال نهاد و به خاموشی گرایید؟ و چرا این مشعل فروزان بار دیگر روشن نگردید؟ و چرا جهان عربی هم اکنون در پوششی از ظلمت و تاریکی، فرو رفته است؟ آیا مسئولیت آن به عهده دین و مذهب است؟(۱)

وی در مقام پاسخ گویی به این پرسش ها و در پاسخ به ارنست رنان که اسلام را عامل عقب ماندگی علمی مسلمانان خوانده، به تفصیل در مورد اسلام و علم سخن گفته است. وی با رد نظر رنان، عقب ماندگی علمی مسلمانان را از زمان شروع رکود قدرت سیاسی آنان در مشرق و مغرب (بزرگ ترین مراکز علمی و فلسفی درعراق و اندلس قرار داشت) دانسته است.(۲)

از تحلیل های سید جمال، این نکته برمی آید که به نظر او، دو طایفه، یکی خلفای ظلم و جور و دیگری علمای بد و درباری، در فاصله گرفتن مردم از اسلام اصیل مقصر بوده اند.(۳) به عقیده وی، میزان ناتوانی مسلمانان، به میزان انحراف آنها از جاده اعتدال در فضایل اخلاقی و اعمال دینی بستگی دارد.

گرچه اغلب مسلمین از لحاظ عقاید دین پا برجا هستند، ولی آنان در رفتار و کردار خویش به راه روشن شریعت نمی روند، همین امر سبب شده که در نیروی اجتماعی آنان ضعف و ناتوانی پدید آید. به عبارت دیگر، میزان ضعف آنان بستگی به مقدار انحراف آنها از جاده اعتدال در فضایل اخلاقی و اعمال دینی آنان دارد؛ زیرا خداوند می فرماید آنچه از مصایب به شما روی

۱- همان، ص ۶۵ ، برگرفته از: سید جمال الدین اسدآبادی، مقالات حمایه، ص ۱۴۸.

۲- همان، برگرفته از: سید جمال الدین اسدآبادی، اسلام و علم، صص ۲ و ۷.

۳- همان، ص ۴۸.

می آورد، نتیجه اعمال و رفتار شماست.(۱)

عوامل دیگر رکود مسلمانان از دید سید جمال به شرح زیر است:

۱. ترک فضایل اخلاقی و رسوخ اوصاف رذیله؛

۲. انکار ضمنی دنیا، ماده، اقتصاد، عقل، علم و عمل از جایگاه دین و تقلید از گذشتگان؛

۳. جهل و بی خبری و عقب ماندگی علمی و تمدنی؛

۴. جدایی دین از سیاست و مقام علم و اجتهاد از مقام اجرا و حکومت؛

۵. قومیت گرایی و تعصب های قومی و نژادی؛

۶. از خود بیگانگی و خودباختگی در برابر غرب و غرب زدگی؛

۷. استبداد داخلی؛

۸. استعمار خارجی.

ب) دیدگاه زین العابدین قربانی

ب) دیدگاه زین العابدین قربانی

زین العابدین قربانی با انتقاد از کسانی که اسلام را عامل عقب ماندگی مسلمانان می دانند، این اندیشه را ناشی از غرض ورزی و ناآگاهی آنان از واقعیت تاریخ و روح اسلام می داند. او معتقد است اسلام در ذات خود عیبی ندارد و عقب ماندگی مسلمانان، معلول عوامل دیگری است. وی بزرگ ترین عامل عقب ماندگی مسلمانان را انحراف فکری و عملی آنان از آموزه های اسلام می داند؛ زیرا قوانین اسلامی همانند نسخه شفابخشی است که پزشک حاذقی، آن را برای درمان بیماری تجویز می کند. بدیهی است اگر در مواد آن دگرگونی به عمل آید یا در عمل به دستور پزشک کوتاهی شود، نه تنها نتیجه

۱- همان، ص ۵۲، برگرفته از: سید جمال الدین اسدآبادی، عروه الوثقی، ص۱۷۴.

مطلوب نخواهد داشت، بلکه هلاک کننده خواهد بود. دستورهای اسلامی نیز بر اساس فلسفه خاصی بیان شده است که انحراف فکری و عملی مسلمانان از آن، مایه بدبختی و سقوط خواهد بود.(۱)

قربانی به پاره ای از مسائل اعتقادی و تکلیفی اسلام اشاره می کند که از معنای واقعی شان تحریف شده و همین به انحراف مسلمانان انجامیده است. وی سپس به توضیح معنای واقعی آنها می پردازد. این مسائل عبارتند از: سرنوشت؛ اعتقاد به جهان دیگر؛ بی علاقگی به دنیا؛ تقیه؛ شفاعت و انتظار.(۲)

قربانی، شش عامل دیگر را به ترتیب، به عنوان عوامل مهم عقب ماندگی مسلمانان بیان می کند: فرقه گرایی؛ رهبری های نادرست و رهبران نالایق؛ خوش گذرانی و سر در لاک خود فرو بردن مسلمانان؛ فعالیت های تخریبی اقلیت های مذهبی؛ هجوم استعمار به کشورهای اسلامی و خودباختگی و از دست دادن اعتماد به نفس.(۳)

وی در بیان بخش رهبری های نادرست و رهبران نالایق، چهار دوره را برای انحراف از مسیر اصلی اسلام بیان می کند.(۴) دوره اول، نخستین دوره انحراف از اسلام است که به صورت رسمی و همه جانبه از سال ۴۰ ه- . ق آغاز شد و تا ۱۳۲ ه- . ق که حکومت امویان سقوط کرد، ادامه داشت. عوامل انحراف از اسلام در این دوره عبارتند از:

ص: ۳۶

۱- زین العابدین قربانی، علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمانان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱، صص ۲۶۶-۲۷۱.

۲- همان، صص ۲۷۶ - ۳۲۹.

۳- همان، صص ۳۳۰ - ۴۷۹.

۴- همان، صص ۳۵۴ - ۳۷۴.

۱. بی اعتقادی دودمان بنی امیه به اسلام؛

۲. از دست دادن روح سادگی اسلام در شام که مرکز خلافت اسلام بود (دوری از مرکز اسلام و نزدیکی به روم شرقی)؛

۳. زنـده شـدن روح گردن کشـی و انحراف در مردم به دلیل توسـعه قلمرو اسـلام و آمیختگی با ملت های مختلف و بالا رفتن سطح زندگی و درآمد.

دوره دوم، از سال ۱۳۲ ه- . ق تـا سال ۶۵۶ ه- . ق (سال سـقوط بغداد به دست هلاکو) است. خلفای عباسـی تا حدود زیادی شایسـتگی از خود نشـان دادنـد و از نظر فرهنگی، سیاسـی، جغرافیایی، اعتقادی، اقتصادی و نظامی، پیشـرفت های چشم گیری نصـیب اسـلام کردند، ولی کم کم دربار خلافت به شکل دربارهای روم و ایران درآمد و مرکز خوش گذرانی، می گساری و فسـاد شـد. خلفـا سـرگرم خویشـتن شدنـد و اداره کشـور را به کـارگزاران خود سپردنـد. آنهـا نیز به نفع خود، خویشاونـدان و دوسـتانشان عمل کردنـد. وضع اخلاقی، مذهبی، اجتماعی، سیاسـی و اقتصادی جامعه اسـلامی رو به ضـعف نهاد. در سـرزمین پهناور اسـلامی، حکومت های مسـتقل کوچکی تشکیل شد و خلفای عباسی دیگر آلت دستی بیش نبودند. در نتیجه، سرزمین پهناور اسلامی مورد هجوم صلیبی ها و بیگانگان قرار گرفت و سرانجام به دست مغول ها سقوط کرد.

دوره سوم، از سـال ۶۵۶ ه- . ق. تـا سـال ۸۰۷ ه- . ق (مرگ تیمـور لنـگ) ادامـه دارد. در این دوران، مغـول هـا که بر بیشـتر سرزمین هـای اسـلامی حکومت می کردنـد، به تدریـج مسـلمان شدنـد و از نظر تمـدن و فرهنگ، بعضـی از آنان تا حـدودی، آثاری از خود بر جای گذاشتند. با این حال، جنایت های این

گروه و ضربه ای که بر اسلام و مسلمانان، انسانیت و تمدن و فرهنگ وارد کردند، در تاریخ بشریت مانندی ندارد.

دوره چهارم، از سال ۸۰۷ ه- . ق تا سال ۱۳۴۲ ه- . ق (برکناری عبدالعزیز ثانی به وسیله کمال آتاترک) است. به اعتقاد قربانی، امتیاز شاهان عثمانی بیشتر به کشورگشایی آنها مربوط است و از نظر اصول انسانی و رعایت عدالت اجتماعی و رهبری صحیح جامعه اسلامی، تناسبی با تربیت شدگان واقعی اسلام نداشتند. زمام داران امپراتوری عثمانی بر سر تصاحب سلطنت حتی از برادرکشی و فرزندکشی ابا نداشتند و به خوش گذرانی و اَمرد بازی سرگرم بودند. آنان زمام امور مملکت را به دست وزیران و غلامان سپرده بودند و زنان حرم سرا در تعیین کارمندان و اداره امور، نقش مؤثری داشتند. البته وضع شاهان صفوی و قاجار در ایران بهتر از وضع امپراتوری عثمانی نبود. بسیاری از آنان نیز خوش گذران و ستمگر بودند.

وی در پایان نتیجه می گیرد که بی کفایتی ها، خوش گذرانی ها، ستمگری ها و رهبری های نادرست زمام داران کشورهای اسلامی سبب تضعیف جهان اسلام شد، به گونه ای که پس از جنگ جهانی اول و دوم، سرزمین های اسلامی تجزیه شدند.

ص :۳۸

بخش دوم: ریشه های انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان در اندیشه امام خمینی رحمه الله

اشاره

بخش دوم: ریشه های انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان در اندیشه امام خمینی رحمه الله

در این بخش، با بیان مبانی نظری و اعتقادی امام خمینی رحمه الله در مورد اسلام، به بررسی عوامل عقب ماندگی مسلمانان می پردازیم.

امام خمینی رحمه الله بر این باور است که تفاوتی میان انحطاط و عقب ماندگی وجود ندارد و علت اساسی هر دو یکسان است. ازاین رو، گاه واژه انحطاط و عقب ماندگی در کنار یکدیگر بیان می شوند و میان آن دو تفکیک صورت نمی گیرد.

بسیاری از مطالبی که امام خمینی رحمه الله در مورد عوامل عقب ماندگی مسلمانان بیان کرده، در قالب سخنرانی ها، پیام ها و از جایگاه رهبری و هدایت جامعه، گفته شده است. به همین دلیل، با کارهای علمی و آکادمیک که در مقام آموزش منظم و منسجم صورت می گیرد، متفاوت است.

۱. شرایط و مبانی دیدگاه امام خمینی رحمه الله

اشاره

۱. شرایط و مبانی دیدگاه امام خمینی رحمه الله

برای دست یابی به دیدگاه امام خمینی رحمه الله در مورد عوامل انحطاط و

ص: ۳۹

عقب ماندگی مسلمانان، باید به دو مطلب توجه کرد: یکی شرایط و فضای حاکم بر جوامع کشورهای اسلامی که امام خمینی رحمه الله را واداشته است به بیان نگرش خود در مورد عوامل عقب ماندگی مسلمانان بپردازد. دیگری، مبانی کلی و اعتقادی ایشان است که به شدت تحت تأثیر مبان دین اسلام قرار دارد.

الف) شرایط حاکم بر جوامع اسلامی

الف) شرایط حاکم بر جوامع اسلامی

شکل گیری تمدن جدید غرب و راه یافتن دستاوردهای آن به جوامع اسلامی از یک سو و مسئله عقب ماندگی کشورهای اسلامی از سوی دیگر، گروهی از اندیشمندان و سیاست مداران این کشورها را به واکنش واداشت و به شکل گیری جریان هایی انجامید.

در یک سو، گروهی از روشن فکران و تحصیل کردگان غرب گرا قرار داشتند که با دیدی مثبت به تمدن غرب می نگریستند و هنگام مقایسه جوامع اسلامی با جوامع غربی، چشمشان در مقابل درخشندگی تمدن غرب خیره شده بود. آنان می پنداشتند برای بشر، راه نجاتی جز تسلیم در برابر تمدن جدید غرب و راه و روش آن وجود ندارد. اینان تحت تأثیر روشن فکران اروپایی و امریکایی و بدون توجه به تفاوت وضعیت و شرایط تاریخی و اجتماعی کشورهای اسلامی و غرب، به مبارزه با مذهب و سنت پرداختند و اسلام را عامل اساسی عقب ماندگی و بدبختی مسلمانان معرفی کردند.

در سوی دیگر این صف آرایی، گروهی از نخبگان مذهبی بودند که تعدادی از آنها با انگیزه دفاع از اسلام، به نفی کامل تمدن غرب و دستاوردهای آن پرداختند. برخی دیگر نیز در دفاع از فرهنگ اسلامی، با پی آمدهای ویرانگر فرهنگ و تمدن جدید غرب و همچنین مروّجان آن

(استعمار و استبداد)، به مبارزه برخاستند و در این راه به شهادت رسیدند. البته بسیاری از این نخبگان مذهبی به درس خود در حوزه های علمیه و مدارس دینی مشغول شدند و در قبال تحولات اجتماعی و سیاسی یا موضعی نداشتند یا نظر خود را ابراز نکردند و بر واقعیت چشم بستند.(۱)

در چنین فضایی، امام خمینی رحمه الله به معرفی اسلام واقعی و اصیل پرداخت تا اسلام را از معرفی شدن به عنوان عامل عقب ماندگی و بدبختی مسلمانان تبرئه کند. در نگاه ایشان، اسلام اصیل نه تنها عامل عقب ماندگی نیست، بلکه سبب پیشرفت مادی و معنوی است. امام خمینی رحمه الله به بیان ویژگی های اسلام اصیل می پردازد و نشان می دهد که اسلام با رد جنبه های منفی و فسادانگیز فرهنگ غرب، جنبه های مثبت و پیشرفت در علم و صنعت و فن آوری را می پذیرد.

ب) مبانی کلی و اعتقادی امام خمینی رحمه الله

ب) مبانی کلی و اعتقادی امام خمینی رحمه الله

اساسی ترین و کلیدی ترین مبنای اعتقادی امام خمینی رحمه الله این است که اسلام به عنوان کامل ترین دین الهی، تأمین کننده سعادت دنیوی و اخروی و پیشرفت مادی و معنوی انسان هاست. ازاین رو، برپایی حکومت اسلامی و اجرای قوانین اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله، زمینه های خروج مسلمانان را از عقب ماندگی به ارمغان می آورد.

به باور امام خمینی رحمه الله، اسلام مترقی ترین قوانین را دارد که با اجرای آنها در حکومت اسلامی، سعادت دنیا و آخرت انسان ها تأمین می شود. به نظر

۱- سید محمد خاتمی، بیم موج مجموعه مقالات، تهران، نشرسیمای جوان، ۱۳۷۲.

ایشان، با عمل به قوانین اسلام، پیشرفت در علم و صنعت و فن آوری نصیب جوامع بشری می شود و از فرو رفتن آنها در مادیات و فراموش شدن معنویات نیز پیش گیری خواهد کرد.

۲. عوامل انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان از دیدگاه امام خمینی رحمه الله

اشاره

۲. عوامل انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان از دیدگاه امام خمینی رحمه الله

زیر فصل ها

الف) عملکرد زمام داران طاغوت و توطئه استعمار در تحریف اسلام و انحراف مسلمانان

ب) تلاش استعمار در تحریف اسلام و انحراف مسلمانان

ج) اختلاف، تفرقه و گروه گرایی در میان مسلمانان

د) اعتقاد به جدایی دین از سیاست در میان مسلمانان

ه-) از خودبیگانگی و خودباختگی در برابر غرب و شرق

و) ترک روحیه شهادت طلبی و از خودگذشتگی و فضایل اخلاقی میان مسلمانان و دل بستگی به دنیا

ز) ملی گرایی و تعصب های نژادی

الف) عملکرد زمام داران طاغوت و توطئه استعمار در تحریف اسلام و انحراف مسلمانان

الف) عملکرد زمام داران طاغوت و توطئه استعمار در تحریف اسلام و انحراف مسلمانان

امام خمینی رحمه الله در وصیت نامه خود، تحریف قرآن و اسلام و در نهایت انحراف مسلمانان را پس از شهادت امام علی علیه السلام می داند. به اعتقاد ایشان، پس از شهادت امام علی علیه السلام، خودخواهان و طاغوتیان، قرآن را به وسیله ای برای پیشبرد اهداف حکومت های ضد قرآنی تبدیل کردند. آنان قرآن را که بزرگ ترین قانون زندگی در دنیا و آخرت است، از صحنه خارج کردند و بر حکومت عدل الهی که یکی از آرمان های این کتاب مقدس است، خط بطلان کشیدند. پس جامعه را از دین خدا و کتاب و سنت الهی منحرف کردند. هر چه زمان پیش رفت، این انحراف بیشتر شد تا جایی که قرآن جز در گورستان ها و مجالس مردگان، نقشی نیافت و به جای آنکه وسیله جمع کردن مسلمانان و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف شد. وضع به گونه ای بود که اگر کسی از حکومت اسلامی دم برمی آورد و از سیاست سخن می گفت، گویا بزرگ ترین معصیت را مرتکب شده بود.(۱)

۱- امام خمینی رحمه الله، وصیت نامه الهی - سیاسی، صص ۱ و ۲ با تلخیص و تصرف.

امام خمینی رحمه الله، دوری مسلمانان و دولت های اسلامی از اسلام و قرآن را عامل همه گرفتاری هایی می داند که در طول تاریخ برای مسلمانان به وجود آمده است. علت این دوری را نیز غفلت، درک نکردن آموزه های اسلامی و غرض ورزی در اجرا نکردن آن می شمارد. در ادامه نیز تأکید می کند که اگر مسلمانان فقط به یک دستور قرآن درباره اعتصام به حبل الله عمل می کردند، تمام مشکلاتشان برطرف می شد:

اسلام یک دین آسمانی است که برای ارشاد ملت ها و رفع اختلاف بین آنان و هدایت به کمالات انسانی و رفع ظلم و بیدادگری آمده است، لکن مسلمین مجموعا و تقریبا همین طور دولت های اسلامی از آن سرّی که اسلام برای آن آمده است یا غافل بودند یا تغافل کردند و همه گرفتاری هایی که برای مسلمین در طول تاریخ ایجاد شده است، برای همین جهت است که از تعلیمات اسلام دور بودند و نتوانستند آن هدایتی را که اسلام برای آن آمده است، ادراک کنند و یا به واسطه اغراضی که داشتند، نتوانستند انجام دهند. مشکل عمده مسلمین همان دوری از اسلام و قرآن است و اگر مسلمین به حسب امری که خدای تبارک و تعالی فرموده است: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا»، اگر به همین یک امر و نهی عمل می کردند، تمام مشکلاتشان، مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شان رفع می شد و هیچ قدرتی نمی توانست با آن مقابله کند. لکن مع الاسف به واسطه غفلت بعضی و عدم توجه بعضی و تغافل بعضی، از این امر محروم ماندند و تا این امر الهی تحقق پیدا نکند، باید مسلمین انتظار گرفتاری های بیشتر داشته باشند.(۱)

از سخنان امام خمینی رحمه الله برمی آید که هر اندازه مسلمانان به اسلام عمل کنند، همان اندازه، به پیشرفت خواهند رسید و هر اندازه از اسلام دوری

۱- امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۷۶.

گزینند، به همان اندازه، به پستی و عقب ماندگی دچار خواهند شد. بر همین اساس، ایشان در پاسخ کسانی که اسلام را مخالف تمدن معرفی می کنند، به تمدن گذشته مسلمانان اشاره می کند و پیشرفت آن زمان مسلمانان را در عمل کردن هر چند ناقص آنان به اسلام می شمارد:

اسلام با هیچ تمدنی مخالف نیست. اسلام یک تمدنی را ایجاد کرد، ششصد هفتصد سال یک دنیا را تقریبا اکثر معموره را [اداره]کرد؛ با اینکه باز اسلام نبود درست.(۱)

ایشان در جای دیگر با انتقاد از کسانی که اسلام را کهنه پسند می دانند، می گوید:

اسلام از خدا می خواهد که شما بر همه مقدرات عالم حکومت کنید. اسلام آن بود که این ممالکی که شما حالا تحت اسارت او هستید، تحت اسارت آورد. آنها که به احکام اسلام عمل می کردند، فی الجمله البته، حکومت های اسلامی تا حالا الا یکی دو تایشان به احکام اسلام عمل نکرده اند که مع ذلک همین که خودشان را زیر بیرق اسلام می دانستند، همین که خودشان را وابسته به اسلام می دانستند، همین که به حسب ظاهر به احکام اسلام عمل می کردند، همچو قدرتی پیدا کردند که یک بیست و چند هزار جمعیت عرب این مملکت به این وسیعی را همچنین پای مال کرد و رفت تا آن آخر برای اینکه متمدنش کند، آدمش کند و کرد.(۲)

امام خمینی رحمه الله در کتاب کشف الاسرار می نویسد:

در چندین قرن ممالک بزرگ اسلامی با عملی شدن نیمه قانون اسلامی بهترین کشورها را تشکیل و بالاترین تمدن را به جهان نشان دادند. خوب است دست کم کتاب گوستاو لوبون و کتاب تاریخ تمدن اسلام را ببینید. با

۱- همان، ج ۸، ص ۶۳ .
۲- همان، ج ۱، ص ۷۳.

آنکه در آن کتاب ها نیز از تمـدن اسـلام خبری نیست، مگر به قـدر فهم مصنّف آنها که خیلی ناقص تر از آن است که تمدن اسلام را بفهمند.

آنها و مانند آنها از تمدن اسـلام طاق های نقاشـی و ظروف چینی و بناهای مرتفع و پرده های قیمتی را فقط می فهمند با آنکه اینها و صدها مانند اینها در تمدن اسلام جزء حساب نمی آید.(۱)

ایشـان در همین کتـاب، در پاسـخ به این نگرش که عقب افتادن مسـلمانان از ملت های دنیا و بازمانـدن از تمـدن اروپا به دلیل اعتقاد به دین و پیشوایان آن است، به پیشرفت سریع مسلمانان در صدر اسلام اشاره می کند. آن گاه برخی نمونه های عمل به احکام اسلامی و باورهایی را که سبب پیروزی های مسلمانان شد، نام می برد:

اینان گمان کردند که اسـلام که در نیم قرن، نیمی از جهان را گرفت و در سیزده قرن رو به پستی گذاشت، از دین داری ملت و قیـام به مراسم آیین است. بـا یک مراجعه به احوال زمام داران و سـرداران و نظامیان و دین داران دوره اول اسـلام و تماشای احوال امروز ما مطلب خوب روشن می شود و حیله گری ها به خوبی معلوم می گردد. زمام داران آن روز اسلام کسانی بودند که در سرتاسـر مملکت خود حـدود الهی را اجرا می کردنـد، دست دزد را می بریدنـد و آشوب طلبان و فتنه انگیزان را گردن می زدنـد. از اجـانب و کفـار دوری می جسـتند و احـتراز می کردنـد. حتی در لبـاس و خوراک و مرکوب از آنهـا تقلیـد نمی کردنـد و شـباهت به آنـان را حرام می دانسـتند. در آثـار ملی و شـعار مـذهبی مسـتقل بودنـد و بـا بیگانگـان مودت و مراودت نداشـتند. آنها کسانی بودند که به واسطه ربوده شدن یک خلخال از پای زن یهودی که تحت الحمایه آنها بود، می گفتند اگر مسلم از این غم بمیرد، بجاست.

۱- امام خمینی رحمه الله، کشف الاسرار، ص ۲۷۳، برگرفته از: اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی رحمه الله، ص ۱۲.

سرداران اسلامی در آن زمان به واسطه آنکه پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله از پوشش حریر نهی فرموده بود، در یکی از دربارهای سلطنتی روی فرش حریر ننشستند. قوه روحانیت در آنها به طوری قوی بود که سردار بزرگ اسلامی یک مشت زهر کشنده خورد با عقیده آنکه خدای اسلام و قرآن، او را نگاه داری می کند در مقابل دشمن دین و همان طور هم شد.

نظامیان اسلام شصت نفرشان به شصت هزار لشکر رومی حمله کرده و آنها را درهم شکستند و چندهزار آنها هفتصد هزار رومی را از پا درآوردند و عده معدودی ایران را مسخر نمودند. اینها اثر نیروهای دینی و علاقه مندی های به دین بود، نه برای این بود که دین و مراسم آن را خوار می شمردند. شما چه چیزتان شباهت به آنها دارد؟ آنها با عقیده به آنکه در کشتن و کشته شدن سعادت است و شهیدان در زندگی ابدی نزد پروردگار عالم در ناز و نعمت هستند، آن همه فتوحات را کردند. جمله کلام آنکه آنها از دین داری و ایمان به غیب و علاقه مندی به روحانیت آن همه نصیب بردند و ما در همه این قدم ها عقب ماندیم و خواهیم ماند.(۱)

از کلام گهربار امام خمینی رحمه الله برمی آید که در این زمانه، عمل نکردن زمام داران و کارگزاران کشورهای اسلامی به احکام اسلام سبب عقب ماندگی آنها شده است.

همچنین از نظر امام خمینی رحمه الله، در دو سه قرن اخیر، استعمارگران، نقش اساسی را در تحریف اسلام و انحراف مسلمانان از اسلام اصیل به عهده داشته اند که بزرگ ترین تحریف آنان، تبلیغ و القای جدایی دین از سیاست است. به عقیده ایشان، استعمارگران بیگانه از آنجا که اسلام اصیل را سدّ راه منافع مادی و قدرت سیاسی خود می دانستند، به تحریف اسلام دست زدند.

۱- همان، ص ۳۶.

آنان با وسایل گوناگون تبلیغ کردنـد که «اسـلام، دین جامعی نیست؛ دین زنـدگی نیست؛ برای جامعه نظامات و قوانین ندارد؛ طرز حکومت و قوانین حکومتی نیاورده است».(۱)

امام خمینی رحمه الله با تأکیـد بر اینکه «اسـلام، دین افراد مجاهـدی است که به دنبال حق و عدالت اند، [و] دین کسانی اسـت که آزادی و استقلال می خواهند»، آن را «مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار»(۲) می شمارد:

تصور نـادرستی که از اسـلام در اذهـان عامه به وجود آمـده و شـکل ناقصـی که در حوزه های علمیه عرضه می شود برای این منظور است که خاصـیت انقلابی و حیاتی اسـلام را از آن بگیرنـد و نگذارند مسـلمانان در کوشـش و جنبش و نهضت باشـند، آزادی خواه باشـند، دنبال اجرای احکام اسـلام باشـند؛ حکومتی به وجود بیاورنـد که سـعادتشان را تأمین کنـد، چنان زنـدگی داشته باشند که در شأن انسان است.(۳)

امـام خمینی رحمه الله در جای دیگر، القای جـدایی دین از سـیاست را به دست های ناپاک و عقل های ضـعیف پس از رسول الله صلی الله علیه و آله و صدر اسلام نسبت می دهد که در قالب نقشه ای شیطانی در زمان بنی امیه و بنی عباس طراحی شده و در این دوره به اوج خود رسـیده است. این طرح به تدریج، مردم را از مسائل اصلی مورد نظر اسلام دور و آنها را تنها به برخی مسائل جزئی سرگرم کرد:

دست های ناپاک و عقل های ضـعیف موجب این شد که بعد از رسول الله صـلی الله علیه و آله و صدر اسلام، کم کم مردم را از آن مسائل اصلی که در نظر اسلام

۱- امام خمینی رحمه الله، ولایت فقیه حکومت اسـلامی، تهران، مؤسـسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۶، چ ۸، ص ۴.

۲- همان.

۳- همان.

بوده است؛ منحرف کنند و مردم را متوجه فقط یک مسائل جزئی بکنند و در مسائل عمومی کلی که کشورهای اسلامی به آن احتیاج دارند، بی طرف باشند و احیانا هم مخالف باشند. این یک نقشه شیطانی بوده است که از زمان بنی امیه و بنی عباس طرح ریزی شده است و بعد از آن هم هر حکومتی که آمده است، تأیید این امر را کرده است و اخیرا هم که راه شرق و غرب به دولت های اسلامی باز شد؛ این امر در اوج خودش قرار گرفت که اسلام یک مسائل شخصی بین بنده و خداست و سیاست از اسلام جداست و نباید مسلمانان در سیاست دخالت کنند و نباید روحانیون وارد سیاست بشوند... .(۱)

امام خمینی رحمه الله در بازکاوی نقش استعمارگران خارجی در تحریف اسلام و القای جدایی دین از سیاست چنین می فرماید:

این را که دیانت باید از سیاست جدا باشد و علمای اسلام در امور اجتماعی و سیاسی دخالت نکنند، استعمارگران گفته و شایع کرده اند.(۲) ... شما آقایان و همه ملت باید توجه کنید که سابقا ما را آن طور تربیت کرده بودند و به واسطه تبلیغاتی که قدرت های چپاولگر درست کرده بودند که ما را از سیاست جدا کنند و ما دخالت در هیچ امر اجتماعی مردم و در هیچ امر سیاسی مردم نکنیم...این یک نقشه ای است مال ابرقدرت ها. مجری اش اینها هستند که در داخل کشورها هستند... .(۳)

ایشان عوامل داخلی را نیز در این امر مؤثر می داند و آنها را دانسته یا ندانسته در راستای منافع و اهداف بیگانگان می خواند. از جمله این عوامل به سران کشورهای اسلامی، روشن فکران و روحانیان می توان اشاره کرد. امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

۱- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۳۲.

۲- همان، ج ۲۰، ص ۱۹۸.

۳- همان، ج ۱۳، ص ۲۱۸.

اینها (مقامات دولتی) از اول در ذهن شما وارد کردند که سیاست به معنی دروغ گویی و امثال آن می باشد تا شما را از امور مملکتی منصرف کنند و آنها مشغول کار خودشان باشند و شما هم مشغول دعاگویی باشید... خودشان بحمدالله این فهم ها را ندارند، ولی اساتید و کارشناسان این نقشه ها را کشیده اند. استعمارگران انگلیسی که از سیصد سال پیش در ممالک شرق نفوذ کردند و از همه جهات این ممالک اطلاع دارند، این برنامه را درست کردند. بعدها نیز استعمارگران امریکایی و غیر آنها با انگلیس ها همراه و متفق شدند و در اجرای این برنامه شرکت کردند.(۱)

ایشان در یکی از پیام های خود به زائران بیت الله الحرام، از تمامی عوامل خارجی و داخلی در القای جدایی دین و علما از سیاست، نام می برد:

همه می دانیم و باید بدانیم که آنچه از قرن ها پیش تاکنون بر سر مسلمین آمده، خصوصا در یکی دو قرن اخیر که دست دولت های اجنبی به کشورهای اسلامی باز شده و سایه شوم آنان بلاد مسلمین را به تاریکی و ظلمات کشانده است و ذخایر خداداد آنان را به باد فنا داده و به طور مداوم می دهد، غفلت مسلمانان از مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام است که به دست استعمارگران و استثمارچیان و عمال غرب زده و شرق زده آنان به توده های مسلمان محروم تحمیل شده است که حتی غالب علمای اسلام گمان می کردند و می کنند که اسلام از سیاست منزه است و یک شخص مسلمان نباید در سیاست دخالت کند. چپاولگران حیله گر کوشش کردند به دست عمال به اصطلاح روشن فکر خود، اسلام را همچون مسیحیت منحرف [کنند و] به انزوا کشانند و علما را در چهارچوب مسائل عبادی محبوس کنند و ائمه جماعات را در مساجد و محافل عقد و ازدواج منزوی و مقدسین از توده را سرگرم ذکر و دعا و جوانان عزیز را سرگرم عیش و نوش، از صحنه امور سیاسی و اجتماعی و اهتمام به امور مسلمین و گرفتاری بلاد اسلامی خارج

۱- ولایت فقیه حکومت اسلامی، ص ۱۲۹.

نماینـد و در این امر توفیق بسزایی پیـدا کردنـد و از این جهالت و غفلت ما سوءاسـتفاده نمودند و بلاد مسـلمین را یا مسـتعمره خویش نمودند و یا به اسـتثمار کشـیدند و بسـیاری از سـلاطین و حکام مسلمین را استخدام نموده و با دست آنان ملت ها را به استضـعاف و اسـتثمار کشاندنـد و وابسـتگی و فقر و فاقه و پی آمـدهای آنها گریبان گیر توده های در بنـد گردید و اکنون نیز مسـلمین به غفلت خود و عمـال اسـتعمار به تبلیغـات خود و ابرقـدرت ها به سـلطه و چپاول خود ادامه می دهنـد و آخونـدهای مزدور و درباری به عقب نگه داشتن مسلمانان و جهالت و غفلت آنان دامن می زنند و إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَیْهِ راجِعُونَ.(۱)

امـام خمینی رحمـه الله در ایـن رهنمـون، بـه عامـل بیگـانه و نیز عوامـل داخلی؛ یعنی روشـن فکران، زمـام داران و آخونـدهای درباری اشاره کرده و از مسـلمانان و بیشتر عالمان مسـلمان به عنوان کسانی که تحت تأثیر این تبلیغات قرار گرفته اند، نام برده است. در جای دیگر، به اثرپذیری برخی فقیهان از تبلیغ اندیشه جدایی دین از سیاست اشاره می کند:

به گوش ما خوانده اند که فقها جز مسـئله گفتن، کاری ندارند و هیچ تکلیف دیگری ندارند. بعضی هم نفهمیده، باور کرده و گمراه شـده انـد. ندانسـته انـد که اینها نقشه است تا اسـتقلال ما را از بین ببرند و همه جهات کشورهای اسـلامی را از دست ما بگیرنـد و ندانسـته به بنگاه های تبلیغات اسـتعماری و به سـیاست آنها و به تحقق هـدف های آنها کمک کرده انـد. مؤسـسات تبلیغاتی اسـتعماری وسوسه کرده اند که دین از سیاست جداست. روحانیت نباید در هیچ امر اجتماعی دخالت کند. فقها وظیفه ندارند بر سـرنوشت خود و ملت اسـلام نظارت کنند. متأسـفانه عده ای باور کرده و تحت تأثیر قرار گرفته اند و نتیجه این شده که می بینیم. این همان آرزویی است که استعمارگران

۱- صحیفه نور، ج ۱۸، صص ۸۸ و ۸۹.

داشته اند و دارند و خواهند داشت.(۱)

امام خمینی رحمه الله درباره آثار این تبلیغات در حوزه های علمیه می فرماید:

افراد مهمل و بی کاره و تنبل و بی همتی را می بینید که فقط مسئله می گویند و دعا می کنند و کاری جز این، از آنها ساخته نیست.(۲)

سپس به برخی افکار و رویه ها اشاره می کند که بر اثر همین تبلیغات و تلقین ها پدید آمده است:

مثلاً اینکه حرف زدن منافی شأن آخوند است. آخوند و مجتهد باید حرف بلد نباشد و اگر بلد است، حرف نزند. فقط لا اله الا الله بگوید و گاهی یک کلمه بگوید.(۳)

امام خمینی رحمه الله این گونه افکار و رویه ها را نادرست و خلاف سنت رسول الله صلی الله علیه و آله می داند:

این گونه افکار ابلهانه که در ذهن بعضی وجود دارد به استعمارگران و دولت های جائر کمک می کند که وضع کشورهای اسلامی را به همین صورت نگه دارند و از نهضت اسلامی جلوگیری کنند.(۴)

ایشان، چنین افرادی را «مقدس یا مقدس نماها» می خواند و آنها را مانع اصلاحات و نهضت معرفی می کند و هشدار می دهد که اینان به نام اسلام، بدترین آسیب ها را به اسلام می زنند. ایشان درباره روحانیان وابسته به دولت ها و دربارها که در تبلیغ جدایی دین از سیاست، هم صدا با بوق های استعمار، نقش بازی می کنند، می گوید:

الان بوق های استعماری و آنهایی که سرسپرده استعمار هستند، این فریاد را

۱- ولایت فقیه، صص ۱۳۰ و ۱۳۱.

۲- همان.

۳- همان.

۴- همان.

می زنند و اسلام را از سیاست جدا می دانند و برای مسلمان جایز نمی دانند که در سیاست دخالت کند و دامن می زنند به این حرف، به این مطلب، روحانیونی که وابسته به دولت ها هستند و درباری هستند.(۱) ... ابرقدرت ها و حکومت های وابسته به آنان با اسلام شاهنشاهی و ملکی مخالف نیستند، بلکه بی شک، آن را تأیید نیز می کنند؛ اسلامی که به وسیله ایادی ابلیسی خود و جهال به صورت عالم، عرضه می شود که علمای اسلام و مسلمانان نباید در امور سیاسی و اجتماعی مسلمین دخالت کنند.(۲)

امام خمینی رحمه الله از این گله دارد که در صد سال اخیر به تدریج پای قدرت های بزرگ جهان خوار به همه کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای کوچک جهان باز شده است. با این حال، هیچ یک از دولت های حاکم بر این کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملت های خود نبوده و نیستند. ایشان، این دولت ها را به دو گروه تقسیم می کند و می نویسد:

یا خود به ستمگری و اختناق ملت خود پرداخته و هر چه کرده اند برای منافع شخصی یا گروهی نموده یا برای رفاه قشر مرفه و بالانشین بوده... و یا آنکه دست نشاندگان قدرت های بزرگ بوده اند که برای وابسته کردن کشورها و ملت ها هرچه توان داشته اند، به کار گرفته و با حیله های مختلف، کشورها را بازاری برای شرق و غرب درست کرده و منافع آنان را تأمین نموده اند و ملت ها را عقب مانده و مصرفی بار آوردند و اکنون نیز با این نقشه در حرکتند.(۳)

بنابراین، از نظر امام خمینی رحمه الله، اسلام نه تنها عامل عقب ماندگی نیست، بلکه تنها عامل عقب ماندگی مسلمانان از پیشرفت مادی و معنوی را باید در

۱- همان، ج ۱۷، ص ۱۳۸.

۲- همان، ج ۱۸، ص ۴۱.

۳- وصیت نامه الهی - سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۳۴.

دوری و انحراف از اسلام اصیل جست وجو کرد که از سوی طاغوتیان و استعمار ایجاد شده است.

ب) تلاش استعمار در تحریف اسلام و انحراف مسلمانان

ب) تلاش استعمار در تحریف اسلام و انحراف مسلمانان

تلاش استعمار در تحریف اسلام و انحراف مسلمانان به دو دسته تقسیم می شود که عبارتند از:

یک - هدف اصلی استعمار در تحریف اسلام و انحراف مسلمانان

امام خمینی رحمه الله، هدف اصلی استعمارگران از تحریف اسلام و به انحراف کشاندن مسلمانان را حفظ منافع مادی و قدرت سیاسی آنها می داند:

اینها به صورت استعمارگر از سیصد سال پیش یا بیشتر به کشورهای اسلامی راه پیدا کردند و برای رسیدن به مطامع استعماری خود لازم دیدند که زمینه هایی فراهم سازند تا اسلام را نابود کنند. قصدشان این نبود که مردم را از اسلام دور کنند تا نصرانیت نضجی بگیرد؛ چون اینها نه به نصرانیت اعتقاد داشتند و نه به اسلام، لکن در طول این مدت و در اثنای جنگ های صلیبی احساس کردند آنچه سدی در مقابل منافع مادی آنهاست و منافع مادی و قدرت سیاسی آنها را به خطر می اندازد، اسلام و احکام اسلام است و ایمانی که مردم به آن دارند. پس با وسایل مختلف بر ضد اسلام تبلیغ و دسیسه کردند.(۱)

دو - اهداف اولیه استعمار در تحریف اسلام و انحراف مسلمانان

از جمله دسیسه های استعمار در تحریف اسلام و انحراف مسلمانان، شعار جدایی دین از سیاست بود که در راستای اهدافی که به شرح زیر است، تبلیغ می شد:

اول - عقب نگه داشتن مسلمانان و جلوگیری از مقابله آنان با استعمار

۱- ولایت فقیه حکومت اسلامی، ص ۴.

این معنایی که به خورد ما داده بودند قدرت های مستکبر جهان که نباید دیانت در سیاست دخالت بکند، این از آن سیاست هایی بوده است که آنها داشتند برای عقب نگه داشتن مسلمین و برای اینکه نگذارند اینها معارضه کنند.(۱)

دوم - ایجاد تفرقه میان علمای دین و سیاست مداران

این معنا که دین از سیاست جداست، این مطلبی است که استعماری ها انداخته اند در دهن مردم و می خواهند به واسطه این، دو فرقه را از هم جدا کنند؛ یعنی آنهایی که عالم دینی هستند، علی حده شان کنند و آنهایی که غیر عالم دینی هستند، علی حده شان کنند. سیاسیون را از سایر مردم جدا بکنند تا استفاده هایشان را بکنند.(۲)

سوم - منزوی کردن روحانیت

این امری بود که برای منزوی کردن روحانیت و کشاندن آنها به گوشه های انزوا و حجره های مدارس و گوشه های مسجد طرح ریزی شده بود...تا هر کاری که می خواهند به سر ملت ها بیاورند و کسی نباشد چرا بگوید.(۳)

چهارم - جلوگیری از گسترش نهضت اسلامی

این گونه افکار ابلهانه (افکار ناشی از تأثیر تبلیغات استعماری مبنی بر جدایی دین از سیاست) که در ذهن بعضی وجود دارد، به استعمارگران و دولت های جائر کمک می کند که وضع کشورهای اسلامی را به همین صورت نگه دارند و از نهضت اسلامی جلوگیری کنند.(۴)

پنجم - از بین بردن استقلال کشورهای اسلامی

به گوش ما خوانده اند که فقها جز مسئله گفتن کاری ندارند و هیچ تکلیف دیگری ندارند بعضی هم نفهمیده باور کرده و گمراه شده اند. ندانسته اند که

۱- همان، ج ۲۰، ص ۱۵۸.

۲- همان، ج ۵، ص ۱۰۸.

۳- همان، ج ۱۴، ص ۱۹.

۴- همان، ص ۱۳۰.

اینها نقشه است تا استقلال ما را از بین ببرند و همه جهات کشورهای اسلامی را از دست ما بگیرند.(۱)

ج) اختلاف، تفرقه و گروه گرایی در میان مسلمانان

ج) اختلاف، تفرقه و گروه گرایی در میان مسلمانان

امام خمینی رحمه الله، این پدیده را عامل بسیار مهمی در به وجود آمدن گرفتاری های مسلمانان می داند و با تعبیرهایی نظیر «اساس همه بدبختی ها و عقب افتادگی ها» و «رمز تمام گرفتاری ها» از آن یاد می کند:

ای مسلمانان جهان شما را چه شد که در صدر اسلام با عده بسیار کم قدرت های عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی - انسانی ایجاد نمودید، اکنون با قریب یک میلیارد جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگ که بالاترین حربه است در مقابل دشمن، این چنین ضعیف و زبون شدید؟ آیا می دانید که تمام بدبختی های شما در تفرقه و اختلاف بین سران کشورهای شما بالنتیجه بین خود شماست؟(۲) ... ای مسلمانان جهان و ای پیروان مکتب توحید، رمز تمام گرفتاری های کشورهای اسلامی، اختلاف کلمه و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی است. خداوند تعالی در یک جمله بیان فرموده وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا، اعتصام به حبل الله بیان هماهنگی جمیع مسلمین است. همه برای اسلام و به سوی اسلام و برای مصالح مسلمین و گریز از تفرقه و جدایی و گروه گرایی که اساس همه بدبختی ها و عقب افتادگی هاست.(۳)

نبود اتحاد میان مسلمانان از بزرگ ترین و اساسی ترین مشکلات است:

یکی از بزرگ ترین و اساسی ترین مشکلات، عدم اتحاد بین مسلمین است که بعضی از به اصطلاح سران کشورهای اسلامی منشأ آن می باشند که

۱- همان.
۲- صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۸۳ .
۳- همان، ج ۹، ص ۲۲۶.

مع الاسف برای رفع آن تا کنون اقدام چشم گیری نشده است، بلکه جنایت کاران سودجو که از اختلاف ملت ها و دولت ها به سود خودشان بهره برداری می کنند، با دست عمّال از خدا بی خبر خود به اختلاف دامن می زنند و هرگاه که شالوده وحدت بین مسلمانان ریخته می شود، با تمام نیرو به مخالفت برمی خیزند و بذر اختلاف می افشانند.(۱)

د) اعتقاد به جدایی دین از سیاست در میان مسلمانان

د) اعتقاد به جدایی دین از سیاست در میان مسلمانان

سابقه تاریخی نظریه «جدایی دین از سیاست» به تلاش استعمار خارجی و نفوذ استبداد داخلی برمی گردد. در این میان، دردناك تر، تحت تأثیر قرار گرفتن عده ای در داخل جهان اسلام است؛ به گونه ای که این افراد با اثرپذیری از شعار «جدایی دین از سیاست»، در راستای اهداف استعماری و استبدادی قدم برداشتند.

امام خمینی رحمه الله، تبلیغ برای القای جدایی دین از سیاست را از توطئه های مهمی می داند که در قرن اخیر برای ناامید کردن مسلمانان از اسلام صورت گرفته است. ایشان اثرپذیری برخی روحانیان و دین داران بی خبر از اسلام از این تبلیغات را فاجعه بزرگی برای اسلام می داند:

مع الاسف تبلیغ وجه دوم (اسلام و ادیان الهی با معنویات سروکار دارند نه با سیاست) در بعضی از روحانیان و متدینان بی خبر از اسلام تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را به مثابه یک گناه و فسق می دانستند و شاید بعضی بدانند و این فاجعه بزرگی است که اسلام مبتلای به آن بود.(۲)

... قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارند، در سایر چیزها ندارند، بلکه بسیاری از احکام عبادی اسلام،

۱- همان، ج ۱۵، ص ۱۲۳.

۲- وصیت نامه الهی - سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۹.

عبادی – سیاسی است که غفلت از آنها این مصیبت ها را به بار آورده.(۱)

جدایی دین از سیاست عامل بیشتر گرفتاری های مسلمانان است:

یکی از امور مهمی که همه، بسیاری از آقایان می دانند قضیه انزوای روحانیت از جامعه هاست و برای این امر نقشه های مختلف است از آن جمله جدایی سیاست از دیانت که مع الاسف این نقشه بسیار مؤثر بوده است و گرفته است و گرفتاری های مسلمین اکثرا بلکه همه از این راه بیشتر بوده است تا راه های دیگر.(۲)

ه–) از خودبیگانگی و خودباختگی در برابر غرب و شرق

ه–) از خودبیگانگی و خودباختگی در برابر غرب و شرق

امام خمینی رحمه الله با توجه به مسئله وابستگی فکری به غرب و نیز تبلیغات غرب زدگان، که علم و پیشرفت را مختص امپریالیسم و کمونیسم می شمارند و آنها را نژاد برتر می دانند، به از خودبیگانگی و خودباختگی در برابر شرق و غرب اشاره دارد. ایشان وابستگی فکری به غرب را منشأ بیشتر بدبختی های ملت ها می داند و اظهار تأسف می کند که چرا با وجود برخورداری از حقوق و قضا و فرهنگ اسلامی، همچنان به سوی غرب دست دراز کرده ایم:

کمال تأسف است که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را و این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است. غرب در نظر یک قشری از این ملت چنان جلوه کرده است که گمان می کنند غیر از غرب هیچ خبری در هیچ جا نیست و این وابستگی فکری، وابستگی مغزی به خارج منشأ اکثر بدبختی های ملت هاست و ملت ماست.(۳)

... از جمله مسائلی که به مسلمانان و مستضعفان جهان اجازه هیچ گونه

۱- همان، ص ۱۰.

۲- صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۳۸.

۳- همان، ج ۱۱، ص ۱۸۳.

فعالیت برای خروج از قید و بند استعمارگران را نمی دهد و آنان را به حال رکود و عقب افتادگی نگاه می دارد، تبلیغات همه جانبه ای است که غرب زدگان و شرق زدگان یا به امر ابرقدرت ها یا کوتاه نظری خود در سراسر کشورهای اسلامی و استضعافی به راه انداخته اند و می اندازند و آن، این است که علم و تمدن و پیشرفت، مختص به دو جناح امپریالیسم و کمونیسم است و آنان خصوصا غربی ها و اخیرا امریکایی ها نژاد برتر هستند و دیگران نژاد پست و ناقص هستند و ترقی آنان در اثر والا نژادی آنان است... پس کوشش برای پیشرفت بی فایده است و آزادگان یا باید وابسته به سرمایه داری غرب باشند و یا کمونیسم شرق و به بیان دیگر ما از خود هیچ نداریم و باید همه چیز را از ابرقدرت های غرب یا شرق بگیریم. علم را، تمدن را، قانون را و پیشرفت را ... و این باور در حالی است که بعضی دانشمندان و نویسندگان غیرمسلمان با شواهد زنده ثابت نموده اند که تمدن و علم از اسلام به اروپا رفته و مسلمانان در این امور پیش قدم بوده اند.(۱)

و) ترک روحیه شهادت طلبی و از خودگذشتگی و فضایل اخلاقی میان مسلمانان و دل بستگی به دنیا

و) ترک روحیه شهادت طلبی و از خودگذشتگی و فضایل اخلاقی میان مسلمانان و دل بستگی به دنیا

امام خمینی رحمه الله، رمز پیروزی مسلمانان صدر اسلام در برابر قدرت های بزرگ را داشتن روحیه ایمان و شهادت طلبی می داند. معتقد است تا این روحیه در مسلمانان پیدا نشود، به همان حال باقی خواهند ماند. ایشان رمز پیروزی مردم ایران را در برابر رژیم شاهنشاهی، برخورداری از همین روحیه می داند:

... آن چیزی که در صدر اسلام رمز پیروزی بود، اصلاً مطرح نمی شود. اگر آن چه در صدر اسلام در اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و لشکر اسلام بود، عشر آن در این مملکت اسلامی بود، قدرتی بود که از تمام ابرقدرت ها مقدم

۱- همان، ج ۱۸، ص ۸۹.

بودند، لکن به کلی آن روحیه ایمان را از دست دادند... و آن روحیه ای که در صدر اسلام بین مسلمین بود تا حدودی در این ملت پیدا شد و همان رمز پیروزی یک مشت فاقد همه چیز بر یک قدرت های شیطانی بزرگ، همان روحیه که در صدر اسلام بود و مسلمین دنبال شهادت می رفتند، جنگ می رفتند و... این روحیه تا در مسلمین پیدا نشود، همینند که هستند... .(۱)

چرا در صدر اسلام، آن افراد کم، با دست خالی به پیش رفتند، ولی در زمان ما با عده زیاد و تجهیزات فراوان، چنین نیست؟ پاسخ امام خمینی رحمه الله به این پرسش این است:

... در صدر اسلام، افرادی که با رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیعت کردند و بودند، اینها افراد کمی بوده اند، لکن متعهد به مسلک خودشان و معتقد به اسلام و برای آنها مطرح نبود اینکه زندگی بکنند ولو با هر ذلت و زحمت. اینها شهادت را برای خودشان سعادت می دانستند... و بعدها مسلمین کم کم آن قدرت ایمان را از دست دادند و وارد شدند در شئون دنیا و دل بستگی به همین مادیات... .(۲)

ز) ملی گرایی و تعصب های نژادی

ز) ملی گرایی و تعصب های نژادی

امام خمینی رحمه الله، ملی گرایی را اساس بدبختی مسلمانان برمی شمارد؛ چون ملت های مسلمان را در مقابل یکدیگر قرار می دهد. ایشان ملی گرایی را مخالف آموزه های اسلام و قرآن می داند و آن را راهبرد ابرقدرت ها برای چپاول مسلمانان می شمارد که حکومت های فاسد، مجری آن شده اند:

... با دست حکومت های فاسد و با تبلیغ حکومت های فاسد، این نژادپرستی ها و گروه پرستی ها در بین مسلمین رشد کرده است. عرب ها را در مقابل عجم ها و ترک ها قرار دادند و عجم ها را در مقابل عرب ها و ترک ها

۱- همان، ج ۸، ص ۹۴.

۲- همان.

را در مقابل دیگران و همه نژادها را در مقابل هم. اینکه من مکرر عرض می کنم که این ملی گرایی اساس بدبختی مسلمین است، برای این است که این ملی گرایی، ملت ایران را در مقابل سایر ملت های مسلمین قرار می دهد و ملت عراق را در مقابل دیگران و ملت کذا را در مقابل کذا...اینها تبلیغاتی بوده است [و] تلقیناتی بوده است که از [سوی] ابرقدرت ها که می خواستند ما را بچاپند، شده است... .(۱)

در جای دیگر، نژادپرستی را عامل بیچارگی ملت های اسلامی معرفی می کند:

آن چیز مهمی که دول اسلامی را بیچاره کرده است و از ظل قرآن کریم دارد دور می کند، آن قضیه نژادبازی است ... سران دول را دارند بازی می دهند، آقا تو ایرانی هستی، آقا تو ترک هستی ... باید مملکت خودمان را چه بکنیم! غافل از آن نکته اتکایی که همه مسلمین داشتند ... همین نژادبازی که اسلام آمد و قلم سرخ روی آن کشید ... و فقط میزان را تقوا ... قرار داد.(۲)

۳. راه حل خروج مسلمانان از عقب ماندگی

۳. راه حل خروج مسلمانان از عقب ماندگی

در اندیشه امام خمینی رحمه الله، عامل اساسی عقب ماندگی مسلمانان، دوری و انحراف آنان از اسلام اصیل است که بر اثر توطئه استعمار خارجی و استبداد داخلی شکل گرفته است. بنابراین، طبیعی است که راه حل اساسی خروج از عقب ماندگی از نظر ایشان، بازگشت به اسلام اصیل و اجرای قوانین اسلام در جامعه باشد:

اسلام است که شما را نجات می دهد از اینکه آزاد نباشید، از اختناق نجات

۱- همان، ج ۱۲، ص ۲۸۰.

۲- همان، ج ۱، ص ۸۶ .

می دهد، اسلام است که استقلال شما را بیمه می کند. روی به اسلام بیاورید.(۱) ... در سایه اسلام است که استقلال به معنای واقعی آن و آزادی به معنای منزه آن تحقق می یابد.(۲) ... اگر استقلال کشور را می خواهید، اگر قطع ایادی دشمنان را می خواهید، اگر می خواهید آزاد باشید، اگر می خواهید که کشور مال خودتان باشد، بیایید همه زیر پرچم اسلام «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا.» امر خدا را اطاعت کنید از آنچه نهی فرموده است، که با هم اعتصام کنید به حبل الله. حبل الله، اسلام است. صراط مستقیم، اسلام است.(۳)

ایشان، اسلام را نه تنها مایه سعادت مسلمانان در دنیا و آخرت می داند، بلکه آن را برای رسیدن به زندگی انسانی، لازم می شمارد:

ما معتقدیم تنها مکتبی که می تواند جامعه را هدایت کند و پیش ببرد، اسلام است و دنیا اگر بخواهد از زیر بار هزاران مشکلی که امروز با آن دست به گریبان است، نجات پیدا کند و انسانی زندگی کند، انسان گونه، باید به اسلام روی بیاورد.(۴)

از مبانی اعتقادی امام خمینی رحمه الله برمی آید که ایشان تنها وجود قوانین را برای اصلاح و سعادت جامعه کافی نمی داند، بلکه وجود قوه مجریه را برای اجرای قوانین از ضروریات انکارناپذیر می شمارد. ازاین رو، به عقیده ایشان، «خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون؛ یعنی احکام شرع، یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است»؛(۵) زیرا «احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را

۱- همان، ج ۶، ص ۲۳۴.

۲- ۲- همان، ج ۱۴، ص ۲۶۴.

۳- همان، ج ۸، ص ۱۷۲.

۴- همان، ج ۴، ص ۲۱۳.

۵- ولایت فقیه حکومت اسلامی، صص ۱۷ - ۲۰.

می سازد.»(۱) همچنین ماهیت و کیفیت خاصی دارد که «اجرای آنها و عمل به آنها مستلزم تشکیل حکومت است و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره، نمی توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد».(۲)

امام خمینی رحمه الله، به همین دلیل و دلایل دیگری از قبیل پیروی از سنت و رویه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام، لزوم سرنگونی ساختارهای شرک آمیز و طاغوتی، ضرورت وحدت امت اسلامی و نجات مردم مظلوم و محروم، تشکیل حکومت اسلامی را واجب می داند و از همه مسلمانان می خواهد دست به انقلاب سیاسی بزنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند:(۳)

ما چاره نداریم جز اینکه دستگاه های حکومتی فاسد و فاسدکننده را از بین ببریم و هیئت های حاکمه خاین و فاسد و ظالم و جائر را سرنگون کنیم. این وظیفه ای است که همه مسلمانان در یکایک کشورهای اسلامی باید انجام بدهند و انقلاب سیاسی اسلامی را به پیروزی برسانند.(۴)

امام خمینی رحمه الله در کنار دعوت به اسلام، دعوت به حکومت اسلامی را نیز در نظر دارد:

اسلام و حکومت اسلامی، پدیده الهی است که با به کار بستن آن، سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می کند.(۵)

بنابراین، از دید امام خمینی رحمه الله، تنها راه خروج از انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان، بازگشت به اسلام اصیل و اجرای قوانین آن از راه

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان، صص ۱۸ - ۲۹.

۴- همان، ص ۲۶.

۵- وصیت نامه الهی - سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۷.

مبارزه با استعمار و دست یابی به استقلال با سرنگونی زمام داران فاسد و در نهایت، تشکیل حکومت اسلامی در سراسر کشورهای اسلامی است. البته این آرمان امام در ایران به وقوع پیوسته و ندای آن نیز در سراسر جهان اسلام طنین انداز شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، ملت مسلمان ایران احساس عزت و استقلال کرده است و در راه شکوفایی جامعه و رفع موانع پیشرفت خود می کوشد.

در این مسیر، هر کدام از نهادها، سازمان ها و ارکان نظام، وظایف خاصی دارند. صدا و سیما نیز به عنوان رسانه ملی، مسئولیت های سنگینی بر عهده دارد که از آن جمله می توان به بیان دیدگاه های بنیان گذار جمهوری اسلامی در زمینه ریشه های انحطاط مسلمانان و راه های خروج از آن، اشاره کرد.

ص :۶۳

بخش سوم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش سوم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

نقش صدا و سیما (رسانه ملی) در تبیین دیدگاه امام خمینی رحمه اللهدرباره ریشه های عقب ماندگی جهان اسلام

نقش صدا و سیما (رسانه ملی) در تبیین دیدگاه امام خمینی رحمه اللهدرباره ریشه های عقب ماندگی جهان اسلام

اشاره

نقش صدا و سیما (رسانه ملی) در تبیین دیدگاه امام خمینی رحمه اللهدرباره ریشه های عقب ماندگی جهان اسلام

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی رحمه الله، بر بسیاری از فرضیه های غربی ها از جمله نظریه «پایان ایدئولوژی» مهر باطل زد. دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در ابعاد داخلی، منطقه ای و جهانی، چشم جهانیان را خیره کرده است. ازاین رو، قدرت های استعماری به ویژه امریکا برای جلوگیری از پیشرفت جامعه اسلامی ایران و متحد شدن کشورهای اسلامی همواره مانع تراشی می کنند. مخالفت امریکا و اروپا در دست یابی ایران به دانش و فن آوری هسته ای و نیز تلاش برای پیوند زدن موج بیداری اسلامی در سطح منطقه و جهان به تروریسم، نمونه ای از این کارشکنی هاست.

رسانه ملی می تواند پنجره جدیدی به روی ملت ایران و جهانیان به ویژه نسل جوان بگشاید و واقعیت ها را چنان که هست، بازگو کند. مدیران و برنامه سازان صدا و سیما می توانند با برگزاری همایش ها و تشکیل

ص: ۶۴

میزگردهایی با شرکت نخبگان سیاسی و مذهبی ایران و جهان اسلام و روشنگری های لازم، نشان دهند که برخی دیدگاه های روشن فکران غرب زده و واپس گرایان، با واقعیت هم خوانی ندارد.

صدا و سیما باید مبنای جدیدی برای تحلیل ریشه های عقب ماندگی مسلمانان ارائه دهد. برای مثال، غربیان بر این باورند که در مقابل پیشرفت تمدن غرب، سه حرکت شکل گرفته است که عبارتند از: حرکت غرب گرا؛ حرکت غرب ستیز؛ حرکت واپس گرا. با این حال، آنان هیچ گاه نگفته اند کسانی همچون «مدرس» که در راه دفاع از اسلام راستین و مبارزه با استبداد قیام کرده و به شهادت رسیده اند، در چه گروهی قرار می گیرند. بنابراین، صدا و سیما می تواند با بهره گیری از پژوهش های موجود، به موشکافی و تبیین این موضوع بپردازد که چگونه استعمار برای ایجاد تفرقه در جهان اسلام و بدنام کردن اسلام، دست به تشکیل فرقه هایی در سراسر کشورهای اسلامی زده و توانسته است برخی روشن فکران غرب زده را به این تحلیل اشتباه وادارد که این حرکت ها به دنبال موضع گیری در مقابل تمدن جدید غرب به وجود آمده است.

به راستی، پیدایش فرقه هایی چون بهاییت، بابیت و طالبان به دنبال واکنش بخشی از جهان اسلام در برابر غرب است یا اینکه منشأ دیگری دارد؟ چرا روشن فکران برای پاسخ گویی به ریشه های عقب ماندگی مسلمانان، همواره به سراغ مقایسه جهان اسلام و غرب می روند؟ چرا برای یک بار هم مقایسه ای از صدر اسلام و وضعیت جوامع اسلامی صورت نمی گیرد؟ با اینکه جهان اسلام سهم بسزایی در رشد و بالا بردن دانش جهان غرب داشته، آیا هیچ گاه شده است که غربی ها از آن یادی کنند و مبنای گفته هایشان قرار دهند؟ این

در حالی است که برخی استادان وابسته به اندیشه غرب، همواره در مقایسه میان غرب و اسلام، مبانی موجود در ذات اسلام را به عنوان دستاورد غرب به رخ مسلمانان می کشند.

صدا و سیما به عنوان رسانه ملی و اسلامی باید به دنبال راه حلی باشد تا دید مردم به ویژه نسل جوان کشور را تغییر دهد و با طرح پرسش های اساسی در سطح جوامع و نخبگان جهان اسلام به پاسخ های واقعی دست یابد.

۱. محورهای برنامه سازی

اشاره

۱. محورهای برنامه سازی

زیر فصل ها

الف) بررسی مشکلات جهان اسلام در حوزه سیاست

ب) بررسی مشکلات جهان اسلام در حوزه اقتصاد

ج) بررسی مشکلات جهان اسلام در حوزه نظامی و امنیتی

د) بررسی مشکلات جهان اسلام در حوزه علم و فرهنگ

الف) بررسی مشکلات جهان اسلام در حوزه سیاست

الف) بررسی مشکلات جهان اسلام در حوزه سیاست

یک – مداخله قدرت های استعماری در جهان اسلام

مشکلاتی که قدرت های استعماری برای جهان اسلام به وجود آورده اند یا می آورند، از راه های گوناگون است، مانند:

اول – استعمار به وسیله «نفوذ»، «تطمیع»، «تهدید»، «اعمال فشارهای سیاسی بین المللی از راه سازمان های بین المللی»، «طرح ادعای نقض حقوق بشر» و «حمایت از حرکت ها و گروه های جدایی طلب» می کوشد بر حاکمان و حکومت های جهان اسلام اثر بگذارد. نتیجه این کار، تأمین خواسته های استعماری، گسترش سلطه سیاسی استعمار و از دست رفتن استقلال سیاسی دولت ها و ملت های اسلامی خواهد بود.

دوم – ترویج شعار «جدایی دین از سیاست» در جهان اسلام و باز داشتن

مسلمانان از دخالت در سیاست و حکومت.(۱)

سوم – ایجاد تفرقه در جهان اسلام با راه انداختن فرقه ها، مکتب ها، احزاب ساختگی و وابسته، ترویج ناسیونالیسم منفی، نژادگرایی، اختلاف بین سران کشورهای اسلامی و اختلاف بین شیعه و سنی.(۲)

چهارم – رواج مکتب های استعماری و تشکیل رژیم های جعلی برای دور کردن مسلمانان از آموزه های قرآن و سرکوبی ملت های اسلامی.(۳)

پنجم – بد جلوه دادن اسلام.(۴)

ششم – تشکیل دولت های دست نشانده در جهان اسلام.(۵)

دو – حکومت های وابسته و استبدادی

حکومت های استبدادی و وابسته، راه نفوذ و سلطه بیگانه را در کشورهای اسلامی هموار می کنند و مشکلات زیر را می آفرینند:

اول – از بین رفتن استقلال سیاسی؛

دوم – محدودیت آزادی؛(۶)

سوم – خیانت دولت های وابسته به اسلام و مسلمانان؛(۷)

چهارم – عمل به شعار «جدایی دین از سیاست» و تبلیغ آن.

ص: ۶۷

۱- نک: در جست وجوی راه از کلام امام دفتر پانزدهم، جهان اسلام، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲، ج ۱، صص ۲۷ – ۳۱.
۲- همان، ص ۲۷.
۳- همان، پاسخ حضرت امام به نامه دانشجویان مسلمان مقیم امریکا و کانادا ۲۲/۴/۱۳۵۱، صص ۳۷ – ۴۳.
۴- همان، سخنرانی حضرت امام در جمع خبرنگاران دولت های خاورمیانه ۱۹/۸/۱۳۵۱. صص ۴۰ و ۴۱.
۵- همان، اعلامیه به مناسبت دعوت به پشتیبانی از فداییان فلسطین ۱۹/۸/۱۳۵۱، ص ۶۲ .
۶- صحیفه نور، ج ۵، سخنان امام در بهشت زهرا ۱۲/۱۱/۱۳۵۷، ص ۷.
۷- همان، ص ۶۲ ، ۶۹ ، ۸۳ ، برگرفته از: خمینی رحمه الله و جنبش، ص ۹۸.

سه - نبود دولت کارآمد و عادل

چهار - نبود احزاب سیاسی کارآمد(۱)

پنج - تحریف اسلام و انحراف مسلمانان

ب) بررسی مشکلات جهان اسلام در حوزه اقتصاد

ب) بررسی مشکلات جهان اسلام در حوزه اقتصاد

یک - چپاول منابع کشورهای اسلامی به وسیله استعمار در تبانی با حکومت های وابسته.(۲) (دولت های استعماری از بیشتر منابع نفت و گاز و معدن های کشورهای اسلامی بهره برداری می کنند)؛

دو - وابستگی در بخش صنعت و کشاورزی؛(۳)

سه - محاصره اقتصادی یا اعمال مجازات های اقتصادی برای کشورهای اسلامی در سطح نظام بین الملل به وسیله قدرت های استعماری و امپریالیسم؛

چهار - منطبق نبودن قوانین اقتصادی بیشتر کشورهای اسلامی با مقررات اسلامی و نبود عدالت اقتصادی.

ج) بررسی مشکلات جهان اسلام در حوزه نظامی و امنیتی

ج) بررسی مشکلات جهان اسلام در حوزه نظامی و امنیتی

یک - تهاجم نظامی، اشغال و تجزیه کشورهای اسلامی به وسیله قدرت های استکباری(۴)

این مسئله، مشکلات زیادی به همراه دارد، مانند: ایجاد دولت دست نشانده، دموکراسی های هدایت شده در راستای منافع استعمار، تغییر بافت سنتی و ملی کشورها، تغییر مرزهای منطقه ای و بین المللی، تقویت اختلافات قومی - مذهبی با تقویت حس ناسیونالیستی و قوم گرایی بعد از

۱- نک: همان، ج ۱۴، ص ۳۷.
۲- نک: همان، ج ۶، صص ۱۰، ۱۱ و ۱۰۶؛ ج ۲، صص ۳، ۱۱ و ۱۱۳.
۳- نک: همان، ج ۲، ص ۴۴؛ ج ۳، ص ۲۲۱.
۴- نک: همان، ج ۲، ص ۲۷.

اشغال یک کشور، تقویت شبکه های تروریستی و تشکیل سرویس های امنیتی و ارتش وابسته در جهت خواست سرویس های امنیتی بیگانه.

جنگ صلیبی با مسلمانان، تجزیه امپراتوری عثمانی، رواج ناسیونالیسم منفی و قوم گرایی در جهان اسلام، ایجاد اختلاف های مرزی، اشغال ایران در جنگ جهانی و تقسیم آن به سه منطقه نفوذ، تحمیل جنگ ۸ ساله عراق علیه ایران، کمک های نظامی و امنیتی به حزب بعث و صدام در زمان جنگ و حمله به افغانستان و عراق، مصداق این مشکلات هستند.

دو - کودتا(۱)

از جمله مشکلات نظامی و امنیتی جهان اسلام که به وسیله کشورهای استعماری ایجاد می شود، انجام کودتاهای گوناگون در کشورهای اسلامی است.

د) بررسی مشکلات جهان اسلام در حوزه علم و فرهنگ

د) بررسی مشکلات جهان اسلام در حوزه علم و فرهنگ

یک - وابستگی فکری و فرهنگی(۲)

یکی از مشکلات جهان اسلام در حوزه فرهنگی، وابستگی فکری و فرهنگی مسلمانان به استعمار است که وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی را به همراه دارد. استعمار با نفوذ فرهنگی در آموزش و پرورش و دانشگاه های کشورهای اسلامی تلاش می کند با استحاله فرهنگی و وابسته کردن این مراکز، هرگونه نبوغ و نوآوری نسل جوان را از بین ببرد یا در خدمت خود بگیرد.

دو - ترویج حس ناامیدی

یکی دیگر از مشکلات جهان اسلام در بخش فرهنگی، رواج ناامیدی در

۱- همان، ج ۹، ص ۱۱.

۲- همان، ج ۱۱، ص ۱۸۳.

بیـن ملت مسـلمان به ویژه نسـل جـوان از سـوی قـدرت هـای اسـتعماری و وابسـتگان آنهـا در این کشورهـاست که مـانع بروز هرگونه، نوآوری و ابتکار می شود.(۱)

سه – خودباختگی

خودبـاختگی فرهنگی، از دیگر مشـکلات جهـان اسـلام در حوزه علم و فرهنـگ است که برخی سـران این کشورهـا و مجامع دانشگاهی دچار آن شده اند، تقلید کورکورانه از فرهنگ غرب و غرب زدگی را به همراه دارد.

چهار – محدود شدن علوم و فن آوری به وسیله استعمار

یکی از مشـکلات جهـان اسـلام، بـومی نشـدن علـوم و فـن آوری بـه دلیـل انحصـار آن به وسـیله اسـتعمار است. برای نمـونه، امپریالیسم امریکا از فن آوری هسته ای و بومی شدن آن در ایران وحشت دارد؛ زیرا این مسئله به رشد علمی و فن آوری ملت ایران کمـک می کنـد و سـبب بـه خطر افتـادن قـدرت آنهـا می شـود. بـه همین دلیـل، از انتقـال برخی فرمـول هـا و فن آوری جلوگیری می کند.

۲. طراحی صحنه

۲. طراحی صحنه

در طراحی صـحنه برنـامه هـاییماننـد میزگرد و گفت وگو می توان از تابلوهای زیبایی اسـتفاده کرد که با خط مناسب، آیات زیر یا زیرنویس های پیشنهادی در صفحه های آینده، نوشته شده باشد.

«اِنَّ الدّینَ عِنْدَ اللّهِ الاِسلام؛ در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است.» (آل عمران: ۱۹)

«... وَ اَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الاسلامَ دیناً؛ و نعمت خود را بر شما تمام

ص: ۷۰

۱– نک: همان، ج ۶ ، ص ۲۱۸.

گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم.» (مائده: ۳۰)

همچنین، به تناسب برنامه می توان، کاریکاتورهایی از تحقیر استعمار و دشمنان اسلام در برابر عظمت اسلام و مسلمانان را نمای پشت صحنه قرار داد.

۳. برنامه های مستقل

۳. برنامه های مستقل

الف) برپایی میزگرد و گفت وگو درباره موضوع های زیر:

یک - ریشه های عقب ماندگی مسلمانان در اندیشه امام خمینی رحمه الله؛

دو - نقش محوری امام خمینی رحمه الله در رهایی مسلمانان از عقب ماندگی با بنیان نهادن جمهوری اسلامی؛

سه - مقایسه اندیشه های سید جمال الدین اسدآبادی و حضرت امام خمینی رحمه الله؛

چهار - کامل بودن احکام اسلام و نقش آن در پیشرفت جامعه با توجه به دیدگاه امام خمینی رحمه الله؛

پنج - دیدگاه دین اسلام درباره دانش اندوزی.

ب) تولید برنامه های تحلیلی به شرح زیر:

یک - تولید برنامه های تحلیلی در مورد ریشه های عقب ماندگی مسلمانان همراه با بیان دیدگاه های غیردینی - درون تمدنی، غیردینی - مقایسه ای و دینی - درون تمدنی و مقایسه ای؛

دو - تولید برنامه های تحلیلی درباره ویژگی های اسلام اصیل؛

سه - تولید برنامه های تحلیلی درباره چگونگی انحراف و دوری مسلمانان از اسلام اصیل بنابر فرمایش های امام خمینی رحمه الله به ویژه در وصیت نامه ایشان.

۴. کودک و نوجوان

۴. کودک و نوجوان

بهترین راهکار در این زمینه، تأثیرگذاری مثبت از راه غیرمستقیم است، مانند:

الف) بیان اهمیت و جایگاه تولید علم و فن آوری جدید در اسلام و ایران اسلامی در قالب های خبری، گزارش و مستند.

ب) تولید انیمیشن هایی درباره سیره علمی ائمه معصومین علیهم السلام؛

ج) تولید انیمیشن هایی درباره بزرگانی، همانند: ابن سینا، ابوریحان بیرونی، زکریای رازی، ملا صدرا، شیخ بهایی و... .

۵. زیرنویس ها

۵. زیرنویس ها

الف) زیرنویس های زیر از سخنان حضرت امام خمینی رحمه الله، متناسب با فیلم و سریال های ضداستعماری انتخاب شده است:

وابستگی فکری به خارج، منشأ اکثر بدبختی های ملت هاست. (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۸۳).

مؤسسات تبلیغاتی استعماری وسوسه کرده اند که دین از سیاست جداست [و] روحانیت نباید در هیچ امر اجتماعی دخالت کند. متأسفانه عده ای تحت تأثیر قرار گرفته اند... این همان آرزویی است که استعمارگران داشته اند. (ولایت فقیه، صص ۱۳۰ و ۱۳۱)

سابقا ما را آن طور تربیت کرده بودند - به واسطه تبلیغاتی که قدرت های چپاولگر درست کرده بودند - که ما را از سیاست جدا کنند و ما دخالت در هیچ امر اجتماعی و سیاسی مردم نکنیم. (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱۸)

ص: ۷۲

اینکه... قدرت های مستکبر [می گفتند] نباید دیانت در سیاست دخالت بکند، از آن سیاست هایی بوده است که آنها داشتند برای عقب نگه داشتن مسلمین. (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۵۸)

چپاولگران حیله گر کوشش کردند به دست عمّال به اصطلاح روشن فکر خود، اسلام را به انزوا کشانند. (صحیفه نور، ج ۱۸، صص ۸۸ و ۸۹)

آنچه از قرن ها پیش تاکنون بر سر مسلمین آمده... و ذخایر خداداد آنان را به باد فنا داده... غفلت مسلمانان از مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام است. (صحیفه نور، ج ۱۸، صص ۸۸ و ۸۹)

ب) زیرنویس های زیر از سخنان حضرت امام خمینی رحمه الله، متناسب با فیلم ها و سریال های مرتبط با امام خمینی رحمه الله انتخاب شده است:

قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارند، در سایر چیزها ندارند. (وصیت نامه الهی - سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۹)

بسیاری از احکام عبادی اسلام، عبادی - سیاسی است که غفلت از آنها این مصیبت ها را به بار آورده است. (وصیت نامه الهی - سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۹)

در سایه اسلام است که استقلال به معنای واقعی آن و آزادی به معنای منزه آن تحقق می یابد. (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۶۴)

ما معتقدیم تنها مکتبی که می تواند جامعه را هدایت کند و پیش ببرد، اسلام است. (صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۱۳)

اسلام و حکومت اسلامی، پدیده ای الهی است که با به کار بستن آن،

سعادت فرزنـدان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می کنـد. (وصـیت نامه الهی - سیاسـی امام خمینی رحمه الله، ص ۷)

۶. پرسش های مردمی

۶. پرسش های مردمی

۱. به نظر شما چه عاملی در عقب ماندن مسلمانان در پیشرفت علمی نقش مهمی داشته است؟

۲. آیا می توان استعمار کشورهای اسلامی را عامل انحطاط آنان برشمرد؟

۳. به نظر شما مسلمانان چگونه می توانند تمدن اسلامی گذشته خویش را به دست آورند؟

۴. آیا می توانند چند دانشمند بزرگ مسلمان را که در شکوفایی علمی تمدن اسلامی نقش داشته اند، نام ببرید؟

۵. برخی معتقدند دوری از آموزه های اسـلام اصـیل موجب عقب ماندگی مسـلمانان از تمدن اسـلامی شده است؛ نظر شما در این باره چیست؟

۷. پرسش های کارشناسی

۷. پرسش های کارشناسی

۱. دیدگاه امام خمینی رحمه الله درباره پدیده عقب ماندگی مسلمانان چیست؟

۲. عوامل انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان چیست؟

۳. در بحث عوامل خارجی عقب ماندگی ایران، چه نظریه هایی وجود دارد؟

ص :۷۴

۴. درباره عوامل فکری و فرهنگی عقب ماندگی مسلمانان، به ویژه ایران پیش از انقلاب، چه نظریه هایی وجود دارد و طراحان این نظریه ها چه کسانی هستند؟

۵. درباره عوامل اقتصادی عقب ماندگی ایران به چه نظریه هایی می توان اشاره کرد و صاحبان این اندیشه چه کسانی هستند؟

۶. برخی در تحلیل عوامل عقب ماندگی ایران، ساختار ایلی و کوچ نشینی در ایران را مانع بزرگی در راه توسعه سیاسی - اجتماعی ایران می دانند. توضیح دهید چه اشکالی در این نظریه نهفته است؟

۷. حضرت امام خمینی رحمه الله با در نظر گرفتن چه شرایط و مبانی اعتقادی، در مورد عوامل عقب ماندگی مسلمانان نظریه پردازی کرد؟

۸. عوامل انحطاط مسلمانان از دیدگاه امام خمینی رحمه الله چیست؟

۹. از نظر امام خمینی رحمه الله، استعمار در انحراف مسلمانان چه نقشی دارد؟

۱۰. اهداف اولیه استعمار در انحراف مسلمانان چیست؟

۱۱. استعمار از تبلیغ شعار «جدایی دین از سیاست» چه اهدافی دارد؟

۱۲. از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله، راه حل اصلی رهایی مسلمانان از عقب ماندگی چیست؟

۱۳. انقلاب اسلامی ایران برای ملت مسلمان ایران و منطقه چه دستاوردی به ارمغان آورده است؟

۱۴. پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به دنبال آن، تشکیل نظام جمهوری اسلامی در رهایی مسلمانان جهان، به ویژه ملت مسلمان ایران از عقب ماندگی چه تأثیری داشته است؟

ص: ۷۵

۱۵. با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران، بیداری روزافزون مسلمانان جهان و دست یابی ملت مسلمان ایران به فن آوری های جدید، آیا می توان گفت باز هم مسلمانان عقب مانده هستند؟

۱۶. به نظر شما، مخالفت استعمار با انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، به دلیل خروج مسلمانان از حالت رکود و انزوا و به خطر افتادن منافع استعمار نیست؟(۱)

۱- جهت تشکیل میزگردها و برنامه های ترکیبی یا... به منظور بررسی مشکلات جهان اسلام و علل عقب ماندگی مسلمانان می توان از کارشناسان زیر دعوت به عمل آورد: آیت الله زین العابدین قربانی، دکتر سید احمد موثقی، آیت الله جوادی آملی، دکتر حسن روحانی، دکتر سید علی قادری، دکتر اسماعیل خدادادی، دکتر اسماعیل جهان بین، دکتر علی اکبر ولایتی، دکتر علی لاریجانی، دکتر حشمت زاده، دکتر صادق زیباکلام، دکتر خوش چهره، حجت الاسلام والمسلمین غلام رضا مصباحی، دکتر ابراهیم متقی، دکتر فرامرز رفیع پور و دکتر حسن بلخاری.

سخن آخر

سخن آخر

دیدگاه امام خمینی رحمه الله درباره ریشه های عقب ماندگی مسلمانان، در شرایط و فضایی ایراد شده است که از یک طرف اسلام، متهم به این است که عامل عقب ماندگی مسلمانان است و از طرف دیگر، دیدگاه امام تحت تأثیر شدید مبانی اعتقادی اسلامی ایشان قرار دارد. ازاین رو، نگرش ایشان با دیدگاه کسانی که نگاهی غیردینی به پدیده عقب ماندگی مسلمانان دارند، کاملاًـ متفاوت است. امام خمینی رحمه الله بر این باور است که اسلام به عنوان دینی کامل و خاتم ادیان، از سوی خداوند بر پیامبر اسلام نازل شده است و به همه جنبه های مادی و معنوی انسان و جوامع انسانی توجه دارد. بنابراین، یگانه مکتبی است که قادر است پیشرفت مادی و معنوی و سعادت دنیا و آخرت را در کنار هم تأمین کند. از نظر ایشان، قوانین اسلام، به زمان و مکان خاص، مثلاًـ صدر اسلام اختصاص ندارد و می تواند در هر زمان و مکانی جامه عمل بپوشد. امام خمینی رحمه الله، اسلام را دینی می داند که دارای یک سلسله اصول و قوانین ثابت و تغییرناپذیر است و قوانین دیگری نیز دارد که بسته به شرایط زمان و مکان با ملاحظات خاصی تغییر می کند. به اعتقاد ایشان، اسلام افزون بر قوانین و احکام، دارای قوه مجریه ای است که قوانین و احکام آن را به اجرا درمی آورد. این قوه مجریه، همان حکومت اسلامی است که در زمان حضور پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام، ایشان عهده دار این حکومت

ص: ۷۷

بودند و در زمان غیبت، ولی فقیه جامع الشرایط ریاست این حکومت اسلامی را بر عهده دارد.

همچنین از نظر امام خمینی رحمه الله، اسلام نه تنها با پیشرفت مادی و تمدن مخالفتی ندارد، بلکه اگر قوانین آن به دست حکومت اسلامی به اجرا درآید، خود عامل پیشرفت مادی و معنوی و تمدن سازی است. در اینجا تکیه امام خمینی رحمه اللهبر هماهنگی و همراهی پیشرفت مادی و معنوی است. ازاین رو، اسلام از دیدگاه ایشان در برخورد با تمدن جدید غرب، نه راه قبول مطلق را در پیش می گیرد و نه انکار مطلق را پیشه خود می سازد. بلکه، از آن رو که تمدن جدید، آمیخته ای از جنبه های مثبت و منفی است، اسلام آنچه را مثبت تشخیص می دهد، قبول و آنچه را منفی می داند، رد می کند.

به طور کلی، می توان نتیجه گرفت که از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، عامل اساسی عقب ماندگی مسلمانان، انحراف و دوری از اسلام اصیل است که به وسیله استعمار و عوامل وابسته به آنها ایجاد شده است. به عقیده ایشان، مسلمانان به هر میزان به قوانین اسلام پای بند باشند و به آنها عمل کنند، به همان میزان، از نظر مادی و معنوی پیشرفت خواهند کرد و برعکس. به همین دلیل، ایشان کام یابی مسلمانان در شکست دادن سریع دو ابرقدرت ایران و روم در صدر اسلام و پی ریزی تمدن اسلامی را مدیون عمل هر چند ناقص به احکام اسلام می داند. به اعتقاد امام خمینی رحمه الله، پس از شهادت امام علی علیه السلام، تحریف اسلام به وسیله بنی امیه آغاز شد و در دوران بنی عباس نیز تداوم یافت و انحراف مسلمانان از اسلام اصیل نیز از همان زمان پایه ریزی شد، ولی این امر موجب نشد که مسلمانان کاملاً از اسلام دور بمانند.

ص :۷۸

ازاین رو، به هر میزانی که به احکام و قوانین اسلام عمل کردند، به همان میزان در امور مادی و معنوی پیش رفتند.

امام خمینی رحمه الله در دوره معاصر، استعمارگران بیگانه را عامل تحریف اسلام می داند. ایشان مهم ترین تحریفی را که در اسلام صورت گرفته است، جدایی دین از سیاست می داند و معتقد است استعمارگران با این کار می خواستند با بیرون راندن اسلام از صحنه اجتماع و سیاست، منافع مادی و قدرت سیاسی خود را در کشورهای اسلامی حفظ کنند. استعمارگران در رسیدن به اهداف خود، از سه گروه یاری گرفتند: سردمداران خیانت کار کشورهای اسلامی، روشن فکران غرب زده و خودباخته و واپس گرایان.

از نظر امام خمینی رحمه الله، عواملی که موجب انحطاط اسلام و انحراف مسلمانان شد، عبارتند از: جدایی دین از سیاست؛ تفرقه و اختلاف و گروه گرایی؛ ملی گرایی و نژادپرستی؛ از خود بیگانگی و خودباختگی در برابر غرب و شرق؛ از بین رفتن روحیه شهادت طلبی و ایمان و ترک فضایل اخلاقی. راه حل اساسی ایشان برای خروج مسلمانان از انحطاط، بازگشت به اسلام اصیل است که تنها حکومت اسلامی مورد نظر اسلام می تواند قوانین و احکام اسلام را به اجرا درآورد و بازگشت به اسلام اصیل را تحقق عینی بخشد.

ازاین رو، مبارزه با استعمار و رسیدن به استقلال و تشکیل حکومت اسلامی، شرط اساسی خروج از این انحطاط است که این امر با پیوند انقلاب اسلامی ایران به رهبری خود ایشان و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران محقق شد و با روشنگری های رسانه ملی در حال گسترش است.

ص :۷۹

کتاب نامه

کتاب نامه

کتاب

۱. آل احمد، جلال، در خدمت و خیانت روشن فکران، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷.

۲. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه: محمدپروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، ۱۳۷۵.

۳. اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی رحمه الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۴. اشرف، احمد، موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجاریه، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۹.

۵. حسنی، محمدحسن، نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۷.

۶. خاتمی، سید محمد، بیم موج (مجموعه مقالات)، تهران، نشر سیمای جواد،۱۳۷۲.

۷. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، عصر ایمان، ترجمه: ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده و ابوالقاسم طاهری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، ۱۳۷۸.

۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

۹. رضاقلی، علی، جامعه شناسی نخبه کشی: قائم مقام، امیر کبیر، مصدق، تهران، نشر نی، چاپ هشتم، ۱۳۷۷.

۱۰. رفیع پور، فرامرز، کند و کاوها و پنداشته ها، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۰.

۱۱. زیباکلام، صادق، ما چگونه ما شدیم؟ ، تهران، انتشارات روزنه، چاپ پنجم،۱۳۷۷.

۱۲. زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه: علی جواهر کلام، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۹.

۱۳. شایان مهر، علی رضا، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، سازمان

انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.

۱۴. شرابی، هشام، روشن فکران عرب و غرب، ترجمه: عبدالرحمن عالم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۸.

۱۵. شریعتی، علی، چه باید کرد؟ (مجموعه آثار)، تهران، ۱۳۶۰.

۱۶. علمداری، کاظم، چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت، تهران، انتشارات گام نو، ۱۳۷۹.

۱۷. فشاهی، محمدرضا، گزارشی کوتاه از تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فئودالی ایران، تهران، مؤسسه انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۵۴.

۱۸. قادری، حاتم، اندیشه سیاسی غزالی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰.

۱۹. قربانی، زین العابدین، علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.

۲۰. کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم،۱۳۷۲.

۲۱. لمبتون، آن، مالک و زارع در ایران، ترجمه: منوچهر امیری، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی وزارت علوم، چاپ دوم، ۱۳۶۲.

۲۲. لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سید هاشم حسینی، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۵۸.

۲۳. مدرسی چهاردهی، مرتضی، سید جمال الدین اسدآبادی و اندیشه های او،تهران، کتاب های پرستو، چاپ ششم، ۱۳۶۰.

۲۴. ----------------------- ، علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین در اندیشه و آرای اصلاحی سید جمال الدین اسدآبادی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۲۵. موثقی، سیداحمد، جنبش های اسلامی معاصر، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۷۴.

۲۶. موسوی خمینی رحمه الله، سید روح الله، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.

۲۷. موسوی خمینی رحمه الله، سید روح الله، وصیت نامه الهی - سیاسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.

۲۸. --------------------- ، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ هشتم، ۱۳۷۶.

نشریه

۲۹. پیمان، حبیب الله، «درباره استبداد ایرانی»، کتاب توسعه، به کوشش: جواد موسوی خوزستانی، شماره ۱۰، ۱۳۷۴.

۳۰. دهقانی، جلیل، «رفتار، عمل اصلی توسعه»، مجله علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره سوم، زمستان ۱۳۷۶.

۳۱. سروش، عبدالکریم، کیان، شماره نوزده، خرداد ۱۳۷۳.

سفید است

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹